



نتایج انتخابات و اولین خطابه رئیس جمهور!

چرا نزدیک به چهل درصد مردم یعنی هشت میلیون نفر
از واجدین شرایط در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نکردند؟

اگر تعداد رای دهندگان را همانگونه که دولت فعلا اعلام کرده است، ۲۲ میلیون در نظر بگیریم معلوم می شود که ۴۰٪ از مردم یعنی ۸ میلیون تن از واجدین	شرایط در انتخابات شرکت نکرده اند. اینها چه کسانی بوده اند؟ کاملا روشن است. خلق کرد، خلق ترکمن و سایر خلق های ایران و میلیون ها تن از دیگر هم میهنان ما در	انتخابات شرکت نداشته اند. مردمی که در انتخابات شرکت نکرده اند کسانی هستند که قانون اساسی فیلا اراده آنها را نادیده گرفته است. بقیه در صفحه ۶
--	--	---

نکاتی پیرامون

برنامه و سیاست مجاهدین خلق ایران

چرا پشتیبانی ما از برنامه مجاهدین خلق مشروط بود؟

در مبارزه اسخباتی. ریاست جمهوری ایران نیروهای مختلف و هر یک از کاندیداها برنامه خود را مطرح ساختند تا توده مردم	با قضاوت درباره آنچه که یک کاندیدا تعهد می کند. انجام دهد، چه نتیجه دقیق تری از خط مشی و سمت گیری کاندیداها به دست	آورد. و نیروهای سیاسی بتوانند موضع خود را نسبت به آن مشخص سازند. بقیه در صفحه ۱۴
---	--	--

کارگران صنایع فولاد اهواز قاطع و پولادین علیه امپریالیسم

* قائم مقام فعالی پروژه فاسترویلر تهران جنوب، کوشش کارگران مبارز را
برای بالابردن آگاهی خود و متشکل ساختن طبقه کارگر ایران را که شرط
ضروری پیروزی بر امپریالیسم است را "خرابکاری" و "حرکات صدامتقلابی"
می نامد
در صفحه ۸

"وحدت کلمه" و وحدت عمل

شورای انقلاب با امپریالیسم آمریکا

شرکت جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس اسلامی پاکستان
پاکستان "باردیگر ماهیت "شورای انقلاب" را به نمایش
گذاشت. و برای دیر باورترین کسان نیز، این حقیقت را که
"شورای انقلاب اسلامی" در اختیار سرمایه داران لیبرال
ایران است، حداقل مطرح نمود.

هدف از "کنفرانس اسلامی پاکستان" که به دستور
امپریالیسم آمریکا و با شرکت هندستان و نوکران امپریالیسم
مثبت ملوک حسیسن، ملک خالد، صدام حسین
سلطان قابوس، ضیاء الحق و امثالهم تشکیل شده است
تشکیل جبهه نیروها و رژیم های ارتجاعی دست نشانده
امپریالیسم آمریکا در منطقه است که می باید به جای اتحاد
مردم "سنتو" وظیفه سرکوب جنبش های ضد امپریالیستی و
ترقیخواه در منطقه را برعهده گیرد.

سیاست خارجی نمی تواند از سیاست داخلی جدا و
غیر قابل ارتباط توصیف شود. در حقیقت سیاست شرکت در
"کنفرانس اسلامی پاکستان" ادامه سیاست های داخلی است
که شورای انقلاب که همان دولت بازرگان با نامی دیگر
است از آغاز قیام تاکنون در پیش گرفته است. بازرگان ها
بهشتی ها، رفسنجانی ها در زمینه سیاست داخلی، سیاست
سرکوب نیروهای انقلابی، تخریب دستاوردهای انقلاب،
دعوت از سرمایه داران وابسته و ابقای قورباغه های
اسارت بار امپریالیستی را به پیش راندند، در زمینه
سیاست خارجی نیز نمی توانند طالب تشکیل بلوک های
سیاسی ارتجاعی برای سرکوب جنبش های ضد امپریالیستی
و ترقیخواه منطقه نباشند.

آنها که همیشه کوشیده اند، نیروی انقلابی توده ها را
مهار کنند، تا آنجا که می توانند از هیچ کوششی برای منحرف
ساختن مبارزه مردم علیه امپریالیسم آمریکا کوتاه می
نمی کنند، سرمایه داران لیبرال که در شرایط کنونی مهمترین
پایگاه امپریالیسم آمریکا در میهن ما هستند از قیام تاکنون
برای ابقای سلطه امپریالیسم آمریکا در میهن ما کوشش
کرده اند. شرکت در "کنفرانس اسلامی پاکستان" این مسئله
را آشکار می کند که چه پیوند استوار بین سرمایه داران
لیبرال با امپریالیسم آمریکا و دولت های دست نشانده
منطقه وجود دارد.

* برای روشن تر شدن این مطلب به مقاله "شورای انقلاب"،
وزارت کشور با کمک های ۴۰ میلیون تومانی، ضد انقلاب را در
افغانستان تقویت می کند" مراجعه کنید. (در صفحه ۲)

در این شماره:

نقدی پیرامون مقاله

"آگو نو میسم و آنارشیسم در حرف دشمن یکدیگرند"

و در عمل دست یکدیگر را می فشارند

در صفحه ۱۲

شورای انقلاب ماهیت ضد کارگری خود را نشان داد

در صفحه ۵

نخستین سالگرد قیام خلقهای قهرمان ایران

دهمین سالروز حماسه سیاهکل

تولد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

را در سراسر میهن

هر چه باشکوهتر برگزار کنیم

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دموکراتیک مبارزه میکنند

وقتی که خلق بداند

هر قطره خون تو محراب می شود

وقتی مردم مهاجمین را فراری می دهند بادهان خونین و پیراهن پاره از جابلند می شود سرش گیج می رود. پیرمردی کیف او را به دستش می دهد. رنگ پاش را توی جوی آب پیدا می کند. برمی گردد و شعار را تکمیل می کند. "..... آمریکا"

راه می افتد وقتی می رسد سر قرار ده دقیقه دیر شده. رفیق به او نگاه می کند. دستش را می فشرده اعلامیه را به دستش می دهد. او چیب پاره اش را جستجو می کند.

"رفیق، پونز در ریال پول ما شین پیدا ده او دم سکه ها خونین است رفیق به او خیره نگاه میکند که پابسته اعلامیه به سرعت از عرض خیابان می گذرد....."

"وقتی که خلق بداند هر قطره خون تو محراب می شود."

به سرگردگی..... کسی دستش را می گیرد. به سرعت برمی گردد. خند نفر محاصره اش کرده اند همه ریش دارند. همه کلاه دارند. همه انگشتر دارند. همه دندان قروچه می روند با هم می پرسند "برای کی شعار می نوشتی؟" "به شمار بطی نداداره،"

سانسورچی هستید یا ساواکی؟ یکی شان جواب می دهد: "هم سانسورچی، هم ساواکی، هم سیاهی، هم دشمن دزجه یک فدائی" و می گویند: "مرگ بر فدائی"

پاسخ می دهد: "مرگ بر امپریالیسم و مزدورانش" چند نفری به او حمله می کنند. با مشت و زنجیر و چوب را از دست یکی از مهاجمین می گیرد، مشتت به یکی از مهاجمین می کوبد و...

زنگ آخربه صدا در می آید کبفش را برمی دارد و به سرعت از حیاط می گذرد و پا به خیابان می گذارد. خیابان شلوغ است و سرعت ماشین ها کم. حساب می کند. "باتا کسی برم زود تر می رسم یا پیاده؟" پیاده راه می افتد.

"ده دقیقه وقت دارم می رسم. پونز در ریال پول ما شین رو هم رد می کنم برای سوازمان." از عرض خیابان می گذرد، وارد پیاده روی می شود. دیوارها پوشیده است از شعار، میان شعارها دنبال سازمان می گردد. پیش از آنکه شعار دلخواه را پیدا کند جای مناسبی برای شعار نویسی می یابد، قدم ها را آهسته می کند. اطراف را می باید رنگ پاش را از کیف مدرسه اش بیرون می آورد و می نویسد. "مرگ بر امپریالیسم جهانی"



سلامتی آیت الله خمینی را آرزوی کنیم

حیر بیماری آیت الله خمینی مردم مین ما را در اندوه و ناخوشی عمیق فرو برده است. عناصر وابسته به امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران که اکنون در شورای انقلاب، ارتش و دستگاه لبرال گرد آمده اند، این فرصت را نیز غنیمت شمرده و برای صفا کامل قدرت و تحکیم سلطه امپریالیسم آمریکا آماده می شوند. امپریالیسم آمریکا، دوستان و جاسوسان آن و همه احزاب و محافل سرمایه داران لبرال در میان کسانی که حکومت را در دست دارند، قبل از همه بسا آیت الله خمینی، دشمن اند. از همین روایت که بیماری ایشان بویژه در شرایطی که مبارزات عد امپریالیستی نوده های مهین ما اوج تازه ای گرفته است، موجب شادمانی دشمنان خلق ایران و تگرایی مردم مین ما و کلیه انقلابیون کویست و دیگر نیروهای مبارز و عد امپریالیست گردیده است. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران صن تاکید بر ضرورت وحدت همه نیروهای مبارز و عد امپریالیست با اعلامیون کویست که تمام توان خود را برای درهم شکستن حربه ضد خلقی سرمایه داران لبرال و امپریالیستهای حامی آن به کار گرفته اند، بهبودی هرچه سریع تر بر آیت الله خمینی را آرزوی می کند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
جمعه ۵ بهمن ۱۳۵۸

الف: ۷۵

شورای انقلاب، وزارت کشور، با کمکهای ۴ میلیون تومانی ضد انقلاب را در افغانستان تقویت میکند

"وحدت کلمه" و وحدت عمل شورای انقلاب با امپریالیسم آمریکا

در شرایطی که مردم زحمتکش مین ما بیشترین فشارهای اقتصادی را تحمل می کنند شورای انقلاب، وزارت کشور و سازمان برنامه بودجه تحت عنوان کک به "پناهندگان مسلمان افغانی" میلیونها تومان از ثروت کشور را خرج ضدانقلاب در افغانستان می کنند.

Official document from the Ministry of Education and Higher Education of the Islamic Republic of Iran. It contains a letter regarding the admission of Afghan students to Iranian universities. The text is in Persian and mentions the Ministry of Education and Higher Education, the Ministry of Foreign Affairs, and the Ministry of the Interior. It discusses the financial support provided for these students and the conditions of their admission.

Official document from the Ministry of Education and Higher Education of the Islamic Republic of Iran. It contains a letter regarding the admission of Afghan students to Iranian universities. The text is in Persian and mentions the Ministry of Education and Higher Education, the Ministry of Foreign Affairs, and the Ministry of the Interior. It discusses the financial support provided for these students and the conditions of their admission.

نشان می دهد چگونه شورای انقلاب و وزارت کشور با بیانه قرارداد ادن دفاع از اسلام، ۴۰ میلیون تومان در اختیار افغان های مرتجع قرار داده اند. چرا شورای انقلاب و وزارت کشور چنین هزینه های گزافی را به مردم زحمتکش مین ما تحمیل می کنند؟ چرا سازمان برنامه چنین بودجه ای را تامین می کند؟ امروز همه می دانند که در پاکستان، امپریالیسم آمریکا با ایجاد پایگاه های نظامی، ایادی فتودال ها و دار و دسته محمد ظاهر شاه و داود خان را آموزش می دهد تا بنام "نهضت اسلامی افغانستان" بساط غارتگری فتودال ها و تاج و تخت محمد ظاهر شاه و داود خان را مجددا راه بیاورند. مردم ما از خود می پرسند، چطور شد امپریالیسم آمریکا و مقامات ایرانی، در سواره افغانستان "وحدت کلمه" و "وحدت عمل" پیدا کرده اند؟ مردم ما کمک های میلیونی شاه سابق را به داود خان این دست نشانده امپریالیسم آمریکا را بیاد دارند. آیا این کمک ها ادامه همان کک ها است؟

می دانیم، گرانی بیسداد می کند، گوشت ناپاب است، تخم مرغ پیدا نمی شود، صف مردم برای خریدن نان از صف اتوبوس های شرکت واحد هم درازتر شده است، اما هنوز کسی خم به ابرو نمی آورد، مردم انقلاب کرده اند و انتظار می کشند، شاید کارها درست شود، شاید شورای هابرترف در این شرایط، شورای انقلاب از دستزد کارگران می زند، حقوق کارمندان را کسری می کند، تا خارج ضد انقلاب را در افغانستان تامین کند و میلیون ها تومان پول مردم زحمتکش مین ما را به جیب فتودال های افغانی و دار و دسته فراری ظاهر شاه و داود خان بریزد و آنها را مسلح کند تا در کشور خود جنگ داخلی راه اندازند. گویا رفسنجانی، وزیر کشور و عضو برجسته شورای انقلاب از هیچ کوششی برای خدمت به امپریالیسم کوتاهی نمی کند. رفسنجانی و دیگر پارانشی در شورای انقلاب پس از مسلح کردن فتودال ها و عناصر ضد انقلاب سیستان، بلوچستان و فارس به فکر تقویت ضد انقلابیون افغانی افتاده است. در زیرسدهای داریم که

نظام سرمایه داری وابسته باید نابود شود

نقدی پیرامون مقاله "اکونومیسم و آنارشیزم"

بقیما ز صفحه ۱۲

شورای سرپرستی دستاورد تازه مبارزات کارگران شوفاژکار

به دنبال مبارزه کارگران شوفاژکار برای اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل و گرفتن سودویژه... کارگران از شورای کارخانه می خواهند که چهار نفر از کسائی را که آلت دست کارفرما هستند اخراج نماید.

مدیران و سرپرستان و جاسوسان کارفرما در مقابل خواست انقلابی کارگران ایستادگی می کنند و در وزارت کار تحمیل می کنند.

کارگران در غیبت مدیران، سرپرستان، کارمندان و هم چنین عده ای از کارگران فنی که فریب کارفرما را خورده بودند، برای اینکه جریان تولید بدون وقفه ادامه یابد، شورای سرپرستی برای اداره امور قسمت ها تشکیل دادند و با شور و اشتیاق فراوانی قسمت های مختلف کارخانه را اداره کردند.

کارفرما و سرمایه گذار کارخانه برای مقابله با اقدام انقلابی کارگران، هیئتی را تدارک می بیند. ترکیب هیئت طوری انتخاب شده بود که بتواند روی اعتقادات مذهبی کارگران اثر گذاشته و قضیه را از این طریق به سود کارفرما و سرمایه گذار فیصله دهد.

هیئت مزبور مرکب بود از رضائی، چند نفر از حاجی ها و یک نفر معلم! در جلسه ای که با حضور نمایندگان متحصنین و شورا با هیئت تشکیل شد، هیئت و همه افراد آن جانب کارفرما و سرمایه گذار را گرفت. هیئت کارگران را به دلیل مبارزه حق طلبانه شان مورد اهانیت قرار داده و اخراج عده ای از مبارزترین و آگاهترین کارگران کارخانه شوفاژکار را در دستور کار خویش قرار می دهد.

هیئت با دفاع از حاجی باا، سرمایه گذار کارخانه که از دوستان نزدیک بازرگان و امیر انتظام است، نشان داد که چگونه از منافع طبقه سرمایه دار ایران دفاع می کند و همه هیاهوی افراد آن در دفاع از کارگران تنها برای عوامفریبی است.

حرده بورژوازی با دشمن مشترک به معاشات می نشیند و یا علیه پرولتاریا وارد عمل می شود با مخالفت پرولتاریا روبرو می شود. این امرت مفهوم حمایت مشروط. بنا بر این وقتی حرده بورژوازی با دشمن مشترک مبارزه می کند طبیعی است که مشروط حمایت پرولتاریا قرار می گیرد و این حمایت مشخص، مشروط نیست. مثلا ما نمی توانیم بگوئیم از مبارزه ضد امپریالیستی حرده بورژوازی یا از تسخیر سفارت حمایت مشروط می کنیم ما در گفتار و در کردار از این اقدامات قاطعانه حمایت می کنیم.

"استقلال سیاست های پرولتری نه با نوشتن کلمه "مستقل" در جای خود مشخص می شود و نه با بردن اسم جمهوری. سیاست های پرولتری صرفا با تعیین دقیق راهی حقیقتا مستقل مشخص می گردد و این چیزی است که منشویسم ارائه نمی دهد." (لنین. کلیات آثار جلد ۱۲ صفحه ۵۰۰)

در چنین وضعیتی درستی برنامه سیاسی و قاطعیت و پیگیری پرولتاریائی در پیشبرد آن برنامه و قدرت تشکیلاتی پرولتاریا است که در پراتیک زنده مبارزه طبقات به نمایش گذاشته می شود و به اعتبار تجارب سیاسی روزمره توده ها، به مثابه نمونه قابل قبول و مورد اعتماد تثبیت می گردد. زیرا با برنامه های نمایندگان سیاسی حرده بورژوازی و تاکتیک نقشه های آنان که نمی توانند فراتر از محدود تنگ طبقاتی خود با مسائل روبرو شوند مقایسه می گردد و از آنجا که مطالبات عینی جامعه، راه حل های سیاسی را می طلبد که حرده بورژوازی قادر نیست آنها را ارائه دهد در تجربه سیاسی توده های وسیع پرولتر و غیر پرولتر به شکل نفی رهبری حرده بورژوازی و پذیرش رهبری پرولتاریائی انعکاس می یابد و با تکیه بر نیروی مادی و میلیونی توده ها که اینک زیر پرچم سازمان سیاسی طبقه کارگر گرد آمده اند، احزاب و محافل و شخصیت های سیاسی متعلق به حرده بورژوازی وادار به پذیرش و تمکین برنامه های طبقه کارگر می شوند.

بر اساس تجارب سیاسی توده های وسیع حرده بورژوازی قدرت نفوذ و استقلال می یابد. سیاست مستقل پرولتاریائی تنها و تنها در صورت شرکت فعال، انقلابیون در مبارزات بطور عینی در حال گسترش و از طریق ارائه راه حل های مشخص برای مشکلات و مسائل مطروحه در سطح توده ها، قدرت نفوذ می یابد.

زمانی که طبقه کارگر قادر باشد برای معضلات اجتماعی که جامعه با آن درگیر است راه حل های خاص خود را به توده ها ارائه دهد و به آنها فرصت دهد که از طریق تجارب سیاسی خود، صحت آن را، عمل بیازمایند، صبغ مستقل معنی پیدا می کند. ما یک بار دیگر اعلام می داریم که صف مستقل بدون سیاست مستقل و در اینجا اضافه می کنیم که عینیت این سیاست مستقل تنها در گروی این است که توده های میلیونی حرده بورژوا حضور و شرکت فعال طبقه کارگر را در مبارزه علیه دشمنان خود احساس کرده و به آن باور داشته باشد. این برعهده انقلابیون کمونیست است که به توده های حرده بورژوا نشان دهند که رهائی جامعه از سلطه امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران در گروی اتحاد آنان با طبقه کارگر است. این برعهده انقلابیون کمونیست است که نشان دهند تنها طبقه کارگر میهن ما "قلب اجتماعی و مغز اجتماعی" است.

زمانی که از حمایت پرولتاریا از حرده بورژوازی بطور کلی و مجرد، بحث می شود باید بر جنبه مشروط و موقتی بودن و تمایز این دو تأکید شود. ناپیگیری حرده بورژوازی و تزلزل آن نسبت به پرولتاریا و موقتی بودن هر حمایتی از آن در چارچوب مراحل استراتژیک انقلاب قابل تأکید بوده و همواره باید ترویج شود. لیکن زمانی که مسئله بطور مشخص مطرح است، مثلا در مبارزه این دو با امپریالیسم و لیبرال ها، مشروط کردن حمایت پرولتاریا از حرده بورژوازی در حالی که علیه امپریالیسم مبارزه می کند ناقص حمایت است.

زمانی که از حمایت مشروط از حرده بورژوازی به مفهوم آن است که وقتی حرده بورژوازی علیه دشمن مشترک مبارزه می کند قرار می گیرد ولی هنگامی که

این مبارزه نیستند. همانگونه که در کار ۲۴ در مقاله بازگشائی دانشگاه ها پیش بینی کرده بودیم، این جریانات با حفظ مواضع کنونی هرگز به نیروی توده ای تبدیل نشده و زیر فشار عینیت مبارزه طبقاتی، تجزیه خواهند شد.

اگر "حزب توده" با پنهان کردن گرایشات غیر دمکراتیک و سرکوبگرانه و ارتجاعی حرده بورژوازی، با تحریف و لاپوشانی حقایق مربوط به مبارزه بورژوازی با پرولتاریا و با تلاش در جهت یکسان جلوه دادن سیاست پرولتاریا با سیاست حرده بورژوازی در مبارزه طبقاتی میهن ما بر تمایزات پرولتاریا و حرده بورژوازی سایه انداخته و آن را مخدوش می سازد، اکونومیست ها و آنارشیزم ها نیز با یکی گرفتن حرده بورژوازی و طبقه کارگر در عمل به همان سیاست در غلطیده و مانع از به نمایش گذاردن تمایزات طبقاتی پرولتاریا و سیاست های آن با حرده بورژوازی می شوند.

به این ترتیب مبنای اصلی حمایت پرولتاریا از حرده بورژوازی علاوه بر اشتراک منافع آنها در مبارزه با دشمن مشترک، تقویت و توان بخشی، بلوک تاریخی- طبقاتی خلق در مبارزه علیه امپریالیسم و طبقه سرمایه داری وابسته بدان است.

همچنانکه مبنای اصلی مبارزه پرولتاریا با حرده بورژوازی، روی بر تافتن او از مبارزه با دشمن مشترک و مقابله با جنبش پرولتاریائی است. نکته مهم این است که وحدت حرده بورژوازی با پرولتاریا در مبارزه پرولتاریا با آن مفهوم می یابد. این به معنی آن است که اساس هرگونه حمایتی از حرده بورژوازی بر حفظ استقلال سیاسی و ایدئولوژیک پرولتاریا استوار است. هر حمایت پرولتاریائی از حرده بورژوازی به معنی، معرفی و توضیح سیاست مستقل خود است.

تنها با چنین شرطی است که بلوک تاریخی- طبقاتی خلق، پر خروش و پرتوان علیه امپریالیسم باقی می ماند. و دمکراسیم پیگیر پرولتاریا، در مواجهه با دمکراسیم ناپیگیر حرده بورژوازی تزلزل و درخندگی، می یابد.

کنار سرمایه داری وابسته قرار دارند و چه اکونومیست ها و آنارشیزم ها، گرایش حرده بورژوازی به سازش با بورژوازی را، که بازتاب موقعیت طبقاتی حرده بورژوازی است، وحدت بدون تضاد با بورژوازی می پندارند و به ناچار مجبورند علیه اعتقاد صوری شان به انقلاب دمکراتیک - توده ای حرده بورژوازی را در بلوک ضد انقلاب قرار دهند و طبقه کارگر را با دور کردن از متحدین خود به انزوا سیاسی مهلکی سوق دهند. آنها در عمل به تضعیف جنبه برای تحکیم سلطه امپریالیسم فراهم می آورند.

اکونومیسم و آنارشیزم نه تنها مبارزه طبقاتی را بطور قانونمند درک نمی کند بلکه اصولا از دیدن مبارزه طبقاتی بطور عینی در حال گسترش ناتوان است و قادر نیست بطور عملی از موضع م - ل پدیده ها را بررسی کند. آنها وقتی می بینند حرده بورژوازی و نمایندگان سیاسی آن، سیاستی ارتجاعی در پیش می گیرند و به سرکوب کارگران و زحمتکشان می پردازند تعجب کرده و باور نمی کنند که حرده بورژوازی، ناپیگیر و پرنوسان و متزلزل است. در تئوری و عمل آنها تنها یک چیز وجود دارد. توهمنی از "پرولتاریائی که در واقعیت هیچ ربطی با پرولتاریا ندارد.

آنها در گفتار موجودیت تاریخی و طبقاتی حرده بورژوازی را می پذیرند لیکن در عمل حرده بورژوازی ناپیگیر، متزلزل و پرنوسان را همان پرولتاریائی می شناسند. تا به آخر انقلابی می شناسند. آنها از حرده بورژوازی همان را طلب می کنند که برای پرولتاریائی مجهز به آگاهیه و شعور طبقاتی قائلند. بنابراین با ناباوری به مبارزات ضد امپریالیستی حرده بورژوازی نگاه می کنند. فی المثل اشغال سفارت را توطئه و ضد امپریالیست بودن حرده بورژوازی و جناح سیاسی آن در حاکمیت را دروغین می دانند و طبیعی است که حمایت از مبارزات آن را نیز نپذیرند.

برای این جریان ها کیفیت حمایت پرولتاریا از مبارزه حرده بورژوازی و نمایندگان سیاسی آن علیه امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران مطرح نیست چون در عمل قائل به

فدائیان خلق در زندان جمهوری اسلامی

در شماره گزارشی یکی از فدائیان خلق را که از زندان اوین آزاد شده بود، درج کردیم. در این شماره گزارشی یکی دیگر از بازداشت شدگان را به چاپ می‌رسانیم تا مردم میهن ما از آنچه که در زندان‌های جمهوری اسلامی بر انقلابیون می‌گذرد، آگاهی یابند.

در دوران قیام مانند اغلب اهالی محصل در راهیمائی‌ها شرکت می‌کردم و با جوانان محل دورهم جمع می‌شدیم و بحث می‌کردیم در تمام مبارزات شرکت کردیم و چون در روزهای ۲۲ و ۲۱ بهمن با علاقه در حمله به پادگان‌ها هر طور که می‌توانستیم در دستمان برمی‌آمد کوتاهی نکردیم و بیشتر به همیمن دلیل توکوچه سرشناس شدیم و فکرمی‌کنم بعضی از اهالی محل که دل خوشی از ما ندارند و با پاسداران ارتباط دارند، مرا به عنوان چپ معرفی کردند و از همیمن جدا متوجه شدم که منزل ما مکرراً تحت نظرمی‌باشد. یک روز که به منزل رفتم، دیدم که پاسداران در خانه مان منتظر من هستند. یک ورقه ما مورست هم داشتند. قبل از رسیدن

من تمام خانه را زیر و رو کرده و همه جا را گشته بودم. تعدادی عکس و اعلامیه را نیز برداشتند و مرا به داخل اتوموبیلی بردند. پاسدار مسلح سرشناس اتوموبیل بودند. سردسته آنها گفت: "به اداره چهارم برویم" در راه شروع به فحش دادن به فدائیان کردند. چشم‌هایم را بستند ولی فهمیدم که به در ورودی سلطنت آباد رسیده‌ایم. بعد از مدتی گفتند: "بروید اداره پانجم" دوباره حرکت کردیم به پادگانی رسیدیم که بعد فهمیدم عشرت آباد است. به اتاقی رفتیم بعد از باز دید بدنی دستم را از پشت با دستبند بستند و پس از بستن چشم‌هایم مرا به سلول انداختند و رفتند. تا صبح با همان وضع ماندم. صبح آمدند سراغم. با چشم بسته مرا بردند وسط پادگان، چشم‌هایم را باز کردند. دو سلول انفرادی و دو زندان عمومی در آنجا بود که تازه ساخته بودند برخلاف روز قبل در اینجا پاسدارها حتی یک کلمه

نوهین‌آمیز بد زبان نیاوردند. این‌ها بسیار آدم‌های ساده و صادقی بودند که ذهن آنها را شدیداً نسبت به نیروهای چپ و سایر نیروهای انقلابی بدبین کرده بودند و آرزوهای خوبی داشتند و می‌خواستند به این آرزوها برسند و از اینکه ما را دستگیر کنند، راضی نبودند. تا پنج روز هر شب دست‌هایم را بستند می‌زدند و روز دوم یک بازجو آمد که صورتش را ندیدم چون خودش را پوشانده بود. وارد سلول شد و چند سؤال را که روی کاغذ نوشته بود، به من داد و رفت. "اسم برادران و خواهران و دوستان خود را بنویسید. به چه کشورهایی مسافرت کرده‌اید؟ با کی به مسافرت رفته‌اید؟ نظرتان راجع به انقلاب ایران چیست؟ نظرتان راجع به کمیته‌ها و سپاه پاسداران چیست؟ عضو چه گروه، سازمان و یا حزبی هستید؟ از برادران و دوستان چه کسانی عضو حزب یا گروهی هستید؟ هوادار چه گروه یا حزبی

هستید؟ آیا در جریان قیام اسلحه به دست آوردید؟ آیا برادران و دوستان اسلحه دارند؟ نظرتان راجع به روحانیت چگونه است؟ راجع به دانشجویان خط امام چطور فکر می‌کنی؟ نظرتان راجع به افشاکگری آنها چطور است؟ هفته پیش کجا بودید؟ با چه کسانی بوده‌اید، چه کار کرده‌اید و چه صحبت‌های رد و بدل شد؟" و از این سؤال‌ها در روز اول و روزهای بعد کاغذ بازجویی را از سوراخ سلول به ما می‌دادند. بعد از این بازجویی‌ها سراغم نیامدند. در سلول مجاور یک بلوچ بود و زندان مجاور هم چند نفر از بلوچستان آورده بودند که بلا تکلیف بودند. از قرار معلوم آنجا زندان موقت بود پس از تشکیل پرونده از آنجا به اوین می‌فرستند. روز هشتم اعتصاب غذا کردم که چرا به وضع من رسیدگی نمی‌شود. بعد از چهار روز بازجو آمد ولی نتوانست با سلطنت آباد تماس بگیرد

روز شانزدهم از اطاق بازجویی تکان نخوردم و فشار آوردم که وضع را معلوم کنند ولی کسی پیدا نشد تا پرونده مرا مطالعه و رسیدگی کند. به نظرمی‌رسد کمیته تحقیق در سلطنت آباد مستقر است و مرکب از همیمن پاسداران می‌باشد. بالاخره یک بازجو که جوان بیست و دو ساله‌ای به نظرمی‌رسید، آمد و قبول داد که تا آخر هفته به وضع من رسیدگی کند. در همین فاصله آنها دوتن از دوستانم را نیز بازداشت کردند. و پس از چند روز بازجویی آنها را آزاد کردند اما این بازجو غیب شد. هر چه به مرکز سلطنت آباد تلفن شد کسی از وضع من خبر نداشت. سرانجام شخصی بنام "اصغر وصالی" که به فدائیان فحش می‌داد و دروغ‌های عجیب و غریبی می‌گفت، از من بازجویی کرد. بعد از مدتی، به اتفاق یکی از پاسداران به ستاد عملیات رفتیم. پاسدار همراه گفت: "من با ضمانت خودم ترا آزاد می‌کنم و فقط تعهدیده‌هر وقت سپاه ترا خواست، حاضر شوی." و من هم تعهد دادم و بیرون آمدم.

"آرینه اندان" (سالروز تأسیس جمهوری خود مختار کردستان) تجربه‌ای که از آن باید آموخت

دوم بهمن ماه، سالروز تأسیس جمهوری خود مختار کردستان بود.

۳۴ سال پیش در این روز پس از سالها مبارزه با رژیم دست نشانده امپریالیسم، نخستین جمهوری خود مختار کردستان تأسیس شد. تجربه نخستین جمهوری خود مختار کردستان، نشان داد که چگونه مبارزه خلق کرد، هرگاه با جنبش رهائی‌بخش خلقهای سراسر ایران پیوند نیابد و بروحدت خلقهای ایران در چهارچوب ایرانی آزاد و دمکراتیک نکند، نمی‌تواند به پیروزی دست یابد. امروز انقلابیون کردستان، بر این نکته تأکید دارند که مبارزه خلق کرد برای رهائی از سلطه امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آن، جزئی جدا نشدنی از مبارزه خلقهای سراسر ایران برای نابودی سلطه امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار وابسته به آن می‌باشد. امروز، امپریالیسم تنگ نظران بورژوازی حای خود را به اعتقاد عمیق زحمتکشان کردستان به پیوند با زحمتکشان سراسر ایران داده است. این تجربه بزرگ "آرینه اندان" که آرمان کوسی خلق کرد است، هر بار نیرومندتر از پیش از زبان فرمانانی چون

شریف‌زاده، معینی، ملا آواره و هزاران شهید دیگر به گوش جهانیان رسیده است. امروز خلق کرد، در راه آرمان زحمتکشان سراسر ایران مبارزه می‌کند. امروز آرمان خلق کرد، از آرمان خلقهای سراسر میهن ما جدا نیست. کردستان خود مختار با نظام شورائی، در چهارچوب ایرانی آزاد و دمکراتیک گام بلندی است که خلق کرد برای رهائی برمی‌دارد. سازمان ما، با پر فروغ‌ترین امیدها برای خلق قهرمان کرد "آرینه اندان" را گرامی میدارد و بار دیگر بر آموزش های این تجربه بزرگ تأکید می‌ورزد. در مراسم بزرگداشت این روز که با شرکت همه مردم کردستان برگزار شده بود، پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان فرائت شد. در این پیام نکات زیر مورد تأکید قرار گرفت:

۱- طی سالهای طولانی مبارزه، خلق مانحارب سس گرانبهای اندوخته و از هر زمان دیگر نسبت به مافع واقعی خود آگاه‌تر گشته است. مردم ما می‌دانند که تنها از طریق اتحاد و سرسختی در مبارزه است که می‌توان حقوق

خود را از جنگ مهاجمین و غارتگران بازستاند. ۲- اکنون مبارزه حق طلبانه خلق ما را سازمان‌های سیاسی رهبری می‌کنند. و وجود سازمان‌های سیاسی مترقی و انقلابی در کردستان یکی از عوامل بسیار مهم پیروزی جنبش مقاومت خلق کرد است دشمن همواره تلاش می‌ورزد میان مردم و نیروهای سیاسی تفرقه و جدائی ایجاد کرده و مردم را نسبت به سازمان‌های مبارز و انقلابی بدبین نماید. همچنانکه هیئت ویژه دولت تلاش دارد مردم را از هیئت نمایندگی خلق کرد، جدا کرده و میان نیروهای شرکت کننده در جنبش مقاومت چند دستگی، تفاق ایجاد کند. ۳- امروز تمامی خلق کرد به خاطر کسب حقوق واقعی خویش به یاخاسته است و یکپارچه از اهداف هیئت نمایندگی خلق کرد پشتیبانی می‌کنند. هیچگاه چون امروز مبارزه حق طلبانه خلق ما چنین گسترده و عظیم نبوده است. بدون شک شرکت وسیع کارگران، دهقانان و همسه زحمتکشان کردستان در این مبارزه یکی از شرایط اصلی پیروزی است. ۴- مبارزه انقلابی کارگران دهقانان و سایر زحمتکشان در

سراسر ایران، به خاطر نابودی امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته روز به روز شدت می‌یابد. زحمتکشان می‌خواهند در ایرانسی آزاد، مستقل و به دور از ستمگری سرمایه‌داران غارتگر زمین‌داران بزرگ زندگی کنند. خلق کرد همانگونه که در سرنگونی رژیم منور شاه همگام و همراه با مردم سراسر ایران شرکت داشت، باید در مبارزه علیه امپریالیسم در حال حاضر نیز نقش واقعی خود را ایفاء کند. زیرا امپریالیسم و سرمایه‌داران و زمین‌داران چپاوانگر مانع اصلی در راه تحقق خود مختاری واقعی خلق کرد می‌باشند. اتحاد کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان کردستان با زحمتکشان سراسر میهن در این مبارزه شرط حتمی پیروزی است. ۵- اکنون در سراسر جهان امپریالیسم جنایتکار امریکای روز صریحاً سنگین‌تری از جانب حلقهای تحت ستم و مبارزه انقلابی کارگران تحمل می‌نماید. هر روز کشورها و ملل بسیاری از فند و سدد امپریالیسم رهائی می‌یابند. این سروری‌ها شرایط مساعدی برای سروری هر چه مستر دیکر حلقهای تحت ستم

- گرامی باد خاطره
- ۲- ریبیه ندان
- مستحکم باد وحدت
- انقلابی کارگران،
- دهقانان و سایر
- زحمتکشان ایران
- مرگ بر امپریالیسم
- امریکا، دشمن اصلی
- خلقهای ایران
- سازمان چریکهای فدائی
- خلق ایران - شاخه
- کردستان - ۲ بهمن ۵۸



شورای انقلاب

ماهیت ضدکارگری خود را نشان داد

از جمله خواست‌های کارگران مبارز و آگاه ایران از همان دوران قیام کاهش ساعات کار در هفته ۴۸ ساعت به ۴۰ ساعت بود. خواست غریزی کارگران برای کاستن از شدت بهره‌کشی سرمایه‌داران در طی مبارزات آنها به مرور و در پیوند با افشاری و کارمزدوام سازمان‌های سیاسی مدافع طبقه کارگر، به تقاضاهای آگاهانه‌ای برای کسب حقوق اقتصادی و سیاسی ارتقاء یافت و همراه خود گسترش و استواری هر چه بیشتری به مبارزات طبقه کارگر داد.

اواخر مرداد ماه بود که فشار کارگران و اوج‌گیری مبارزات آنها، حتی اجرای انقلابی "۴۰ ساعت کار در هفته" در بسیاری از کارخانه‌ها، شورای انقلاب را مجبور کرد که کاهش ساعات کار در هفته را بپذیرد و تصویب آن را اعلام کند. اما هنوز خبر تصویب این قانون به اکثر کارخانه‌ها نرسیده بود که داریوش فرهر وزیر کار کابینه بازرگان سرسختانه در مقابل اجرای آن ایستاد. موج سرکوبی که از او اخبر مرداد ماه امسال شروع شد و فشار و خفقان ناشی از آن، موقتاً

دامنه مبارزات کارگران کاهش یافت. اما مشکلات اقتصادی و نابسامانی‌های اجتماعی و سیاسی عمیق تراز آن بود که این امت موقتی دوامی داشته باشد. این بود که بار دیگر با مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران اجرای خواست‌های انقلابی خود را طلب کردند. ۴۰ ساعت کار در هفته بار دیگر از طرف کارگران مبارز و آگاه مطرح شد و برای اجرای آن مبارزه‌ای پیگیر آغاز گردید. فشار ناشی از مبارزات طبقه کارگر، شورای انقلاب جمهوری اسلامی را برای دومین بار واداشت که در تاریخ هفدهم دی ماه "لایحه برابری ساعات کار کارگران و کارمندان" را تصویب کند. شورای انقلاب اعلام کرد که "ساعات کار در هفته برای کارمندان و کارگران یکسان بوده ۴۰ ساعت در هفته اعلام می‌گردد."

شنبه: چهارشنبه، روزی ۷ ساعت و پنجشنبه‌ها ۵ ساعت. هنوز یکی دو روز از اعلام تصویب این لایحه نگذشته بود که شورای انقلاب اعلام کرد: "در پی انتشار خبر مربوط به برابری ساعات کار کارمندان و کارگران که در

اخبار کارگری جهان

عظیم‌ترین اعتصاب یکپارچه کارگران صنایع فولاد انگلستان

سرمایه‌داران می‌خواهند ۵۰۰۰۰ کارگر را اخراج کنند
و مزدها را ۱۵ درصد کاهش دهند

بیش از ۱۰۰۰/۰۰۰ کارگر صنایع فولاد دست به اعتصاب زده‌اند. ۹۰۰۰۰ نفر عضو اتحادیه کارگران فولاد است. ۱۳/۰۰۰ کارگر عضو اتحادیه کارگران ذوب آهن، تولیدات را در سراسر کارخانجات و کوره‌های ذوب آهن شرکت انحصاری فولاد انگلستان (بی.اس.سی) خواباندند. در سال گذشته سرمایه‌داران انگلیسی بیش از ۵٪ فولاد را از کارخانجاتی که کارگران شرکت انحصاری فولاد، تولید می‌کردند، به چنگ می‌آوردند (در حدود ۲ میلیون تن). سخنگوی اتحادیه کارگری در این مورد گفت: "ما اعتصاب می‌کنیم زیرا همه می‌بینند که پیشنهاد کارفرمایان در مورد دستمزدها در واقع سطح زندگی کارگران اعضاء اتحادیه‌های کارگری را ۱۵٪ کاهش خواهد داد. ما آن را قطعاً رد می‌کنیم."

در نخستین روز اعتصاب علیرغم هوای سرد و باران صدها بست نگهبانی کارگران اعتصاب‌کننده کنترل مراکز صنعتی را به دست گرفتند. نگهبانان در تمام ریل‌های ورودی و خروجی کارخانجات به نگهبانی ایستادند. فقط مستخدمین و کارگران متخصص که تابع قرارداد دیگری با کارفرمایان هستند و هنوز مشغول مذاکره با سرمایه‌داران در مورد دستمزدها هستند، اجازه داشتند وارد محوطه کارخانجات شوند.

کارگران اعلام کردند که به هیچ وجه فولاد از کارخانجات خارج نخواهد شد. دوازده اتحادیه کارگری مزبور نگهبانان سیاره سراسر کشور اعزام داشته‌اند تا نه تنها درب‌های کارخانجات که از آن‌ها شود، بلکه تمام انبارهای فولاد و بنادر حمل و نقل را نیز کنترل کنند. این نگهبانی‌ها به خاطر این است که کارفرمایان از طریق صدور فولاد و فروش ذخائر فولاد نتوانند اعتصاب کارگران را درهم شکنند.

بزرگ‌ترین اتحادیه کارگران راه آهن انگلستان و اتحادیه رانندگان لوکوموتیو انگلستان اعلام کردند که از هر نوع حمل

روزنامه‌های عصر هفدهم و صبح هیجدهم دی ماه همراه با اعلام روزهای تعطیل رسمی درج شده بود به اطمینان می‌رساند. ساعات کار ۴۰ ساعت در هفته، فقط برای کارمندان و کارکنان متمول قانون استخدام کشوری بوده و ارتباطی به کارگران شاغل در واحدهای تولیدی و صنعتی و موسسات مشمول قانون کار ندارد و ساعت کار کارگران مشمول قانون کار همچنان ۴۸ ساعت در هفته می‌باشد.

به این ترتیب درگیری‌ها و تصادف‌های درونی شورای انقلاب به سود سرمایه‌داران لیبرال پایان گرفت و شورای انقلاب یکبار دیگر ماهیت ضدکارگری خود را به نمایش گذاشت و نشان داد که از منافع چه کسانی جانبداری می‌کند.

بدون تردید، طبقه کارگر ایران، آگاهانه‌تر و مصمم‌تر علیه اقدامات ضدکارگری شورای انقلاب، مبارزات خود را سازمان خواهد داد و برای دستیابی به حقوق صنفی و سیاسی خود از پای نخواهد نشست.

قطعنامه ۱۴ ماده‌ای خواستار تصفیه کادر سازمانی مجتمع و رفع هرگونه تبعیض شدند. آخرین خبر رسیده حاکی از آن است که استاندار گیلان با کارگران مجتمع صنایع چوب و کاغذ، چوکا در حال مذاکره پیرامون خواسته‌هایشان است.

نماینده امام، به منظور رسیدگی به خواست‌های کارگران، عازم هشترطوالش شدند. بر اساس این گزارش، این گروه از کارگران ضمن اعتراض به عدم پرداخت ماهانه تفاوت دستمزد خود در مجل این مجتمع دست به تحصن زده و با صدور یک

بیش از پنج هزار تن از کارگران چوکا دست از کار کشیدند. بر اساس گزارش‌های رسیده از زشت، به دنبال تحصن بیش از پنج هزار نفر از کارگران صنایع چوب و کاغذ چوکا، "داوران" استاندار استان گیلان به اتفاتی حجت‌الاسلام "احسان بخش"

کارگران کارخانه دوزندگی ناظمی که در جاده کرج جنب تکنوکار واقع است و حدود ۱۰۰ نفر هستند، مدت ۲۵ روز است که در حال تحصن می‌باشند. صاحب کارخانه که از وابستگی رژیم سابق بوده و از چاژگی به دربار و داشتن مهر "صداطلاعات" به خود می‌بالد، سالهاست که بهره‌کار کارگران را به حیث می‌زند (و این در حالی است که کارگران با حداقل دستمزد یعنی ۵۶۷ ریال مشغول کار می‌باشند). این سرمایه‌دار مرمیسا کارگران را اخراج و بجای آنان کارگران جدید استخدام

تحصن ۵۰۰۰ نفری کارگران چوکا

نماینده امام، به منظور رسیدگی به خواست‌های کارگران، عازم هشترطوالش شدند. بر اساس این گزارش، این گروه از کارگران ضمن اعتراض به عدم پرداخت ماهانه تفاوت دستمزد خود در مجل این مجتمع دست به تحصن زده و با صدور یک

تحصن کارگران دوزندگی ناظمی

می‌کند تا بدین ترتیب کارگران را کارآموز و بعد از آن به کارکنان تبدیل کند. اما اینبار کارگران کارخانه منحد در مقابل این مزدور به مقاومت برمی‌خیزند و از آنجا که صاحب کارخانه به خواسته‌های آنان توجهی نمی‌کند، کارگران تصمیم می‌گیرند جهت رسیدن به حقوق حقه‌شان دست به تحصن بزنند. خواسته‌های کارگران شامل:

- ۱- بیمه نمودن کلیه کارگران
- ۲- پرداخت سود ویژه
- ۳- پرداخت کمک هزینه مسکن و حوا...

نتایج انتخابات و اولین خطابه رئیس جمهور

بقیه از صفحه ۱

این ۸ میلیون به خاطر ماهیت ضد دمکراتیک قانون اساسی که حق انتخاب شدن انقلابیون کمونیست را برای ریاست جمهوری سلب کرده است. مصمم بودند در این انتخابات همانگونه که سازمان اعلام کرده بود به مسعود رجوی رای دهند، اما حذف مسعود رجوی سبب شد که اغلب آنها در انتخابات شرکت نکنند.

چرا بنی صدر انتخاب شد؟

در انتخابات ریاست جمهوری حق انتخاب شدن در انحصار کسانی بود که در حاکمیت بودند و همانگونه که می دانیم حکومت و قانون اساسی آنها تنها حق انتخاب شدن را از نمایندگان سیاسی طبقه کارگر یعنی از انقلابیون کمونیست سلب کرده است، بلکه حتی کاندیدای سازمان مجاهدین خلق یعنی مسعود رجوی نیز از لیست کاندیدها حذف شد. بنابراین مردم فقط می توانستند رای خود را به یکی از کاندیدهای بد دهند که در چارچوب مورد قبول حاکمیت باقی می ماند. در میان این کاندیدها سه تن مشهورتر از بقیه بودند و از سال گذشته تاکنون از طریق رادیو-تلویزیون، مطبوعات و غیره و نیز در هفته های اخیر بیش از بقیه کاندیدها به مردم معرفی شده بودند. این سه تن عبارت بودند از قطب زاده مدنی و بنی صدر. پس از این سه نفر، مردم فروهر و طباطبائی را می شناختند و حبیبی و سامی و مکرری را مردم کمتر می شناختند. بنابراین موضعی که مردم در قبایل بنی صدر، قطب زاده و مدنی گرفتند، از اهمیت زیادی برخوردار است. بنی صدر از ماهها پیش با سیاست های بازرگان و شرکاء و باند چمران که مجربان سیاست های امپریالیسم آمریکا در میهن ما هستند کم و بیش خود را مخالف نشان داده بود. بنی صدر خود را طرفدار مبارزه با وابستگی و استقرار آزادی های سیاسی معرفی کرده بود. روزنامه انقلاب اسلامی او نیز با همه معايب و نقایص آن و با همه موضعگیری های خصمانه اش نسبت به مسایل مردم خلقی های ایران، در مردم

این فکر را به وجود آورده بود که بنی صدر و یاران او هرچه باشند، با قطب زاده و مدنی و طباطبائی تفاوت دارند. بنابراین شرکت کنندگان در انتخابات از میان کاندیدهای مشهوری که در برابر خود می دیدند، بنی صدر را

خواب خرگوشی فرورفته بودند از صدای این سیلی از خواب پریدند. قطب زاده ای که مردم را تحمیق می کرد و طومارهای چنود میلیونی در تائید خود فراهم می نمود، قطب زاده ای که با بهره برداری از

نتیجه انتخابات نشان می دهد که مردم به شدت از کسانی که پس از قیام به قدرت خریدند و خون شهدای خلق را وثیقه اهداف ضد خلقی خود قرار دادند، بیزارند.

برگزیدند. به علاوه اعتراض بنی صدر به حذف مسعود رجوی کاندیدای سازمان مجاهدین خلق ایران سبب شد که بخشی از کسانی که در صورت حضور مسعود رجوی در صحنه انتخابات به او رای می دادند، رای خود را به نفع بنی صدر به صندوق ها بریزند.

نتیجه انتخابات پیش از هر چیز نشانه بیزاری و نفرت مردم از قطب زاده ها و چمران ها و از همه کسانی بود که در یک ساله گذشته از هر جنایتی علیه خلق های ما کوتاهی نکرده اند. مردمی که در نخستین روزهای پس از قیام دست کم قطب زاده را با بنی صدر یکی می دانستند در جریان مبارزات ضد امپریالیستی-دمکراتیک خود و در نتیجه

احساسات مذهبی مردم میهن با مردم را به تائید خود وامی داشت در سراسر ایران حتی نتوانست ۵ هزار رای بیاورد. این نشان می دهد بی اعتمادی مردم نسبت به قطب زاده ها است. این نشانه شکست سیاست عوام فریبی و تحمیق توده ها است. مردمی که برای نابودی سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا مبارزه می کنند مردمی که برای استقلال، کار، مسکن آزادی قیام کرده و دهها هزار شهید داده بودند، در روزهای اخیر نشان دادند که امروز دست کم چهره اغلب کسانی که در یک ساله گذشته بر مسند قدرت تکیه زده و به خون شهیدان خلق ما لبخند می زدند و دست در دست امپریالیسم آمریکا و

خود را نیازموده است، مرق گذاشتند.

نتیجه انتخابات نشان می دهد که مردم به شدت از کسانی که پس از قیام به قدرت خریدند و خون شهدای خلق را وثیقه اهداف ضد خلقی خود قرار دادند بیزارند.

نتیجه انتخابات نشان می دهد که مردم بیش از آن که به آقای بنی صدر اعتماد داشته باشند به بازرگان و شرکاء، به باند چمران و روحانیونی که خود را قیم مردم می دانند بی اعتمادند مردم نه تنها به گشوش قطب زاده، مدنی، طباطبائی و مکرری سیلی زدند، بلکه به آن جناح از روحانیست که خود را قیم توده ها می پندارد و برای توده های قیام کننده میهن ما حق دخالت در سرنوشت خود قائل نیست درسی دادند به مراتب بزرگتر و عمیق تر از گذشته، درسی که هرکس از آن پند نگیرد، تاریخ دیرپا زود او را به سرنوشت بازرگان ها و قطب زاده ها و چمران ها دچار خواهد کرد.

در اینجا لازم است یاد آور شویم که افشاگری های سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و فعالیت های خستگی ناپذیر میلیون ها مردمی که این افشاگری ها را به گوش همه هم میهنان ما

نتیجه انتخابات بیش از هر چیز نشانه بیزاری و نفرت مردم از قطب زاده ها و چمران ها و از همه کسانی بود که در یک ساله گذشته از هر جنایتی علیه خلق های ما کوتاهی نکرده اند.

رسانند در معرفی دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا و نتیجتاً در سرنوشت انتخابات تأثیری چشمگیر داشته است.

اکنون بنی صدر رئیس جمهور شده است

حالا مردمی که از سیاست های بازرگان و شرکاء، از ماهیت چمران، قطب زاده، مدنی، یزدی صباغیان و امثال او بیزارند

سرمایه داران وابسته به آن تلاش دارند ثمرات مبارزات قهرمانانه خات مازا بر باد دهند، می شناسند.

شرکت کنندگان در انتخابات میان قطب زاده، طباطبائی و مدنی که همه تدنشان تحکیم سلطه امپریالیسم آمریکا و سرکوب مردم است با بنی صدر که تاکنون در حرف از آزادی ها دفاع کرده، به سانسور تاخته و خود را مخالف وابستگی معرفی کرده است ولی در عمل هنوز چندان

فعالیت های نیروهای انقلابی روز به روز و بیش از پیش از سیاست های ضد دمکراتیک عوام فریبی، کینه و دشمنی مدنی ها و قطب زاده ها نسبت به نیروهای انقلابی دوستی و سرسپردگی آنها به امپریالیسم مطلع شدند و روز به روز از او و امثال او بیزارتر شدند. مردم در انتخابات اخیر چنان سانسور محکمی به گوش قطب زاده و همه مجربان شناخته شده سیاست های امپریالیسم زدند که آنها بی هم که در

مردمی که دیگر هرگز پشت سر رفسنجانی و بهشتی و امثال او سینه نخواهند زد، پس از آیت الله خمینی بنی صدر را در رأس حکومت می بینند. در جمهوری اسلامی ایران او اینک رئیس جمهور است. بنی صدر پس از اطمینان به انتخاب خود در یک مصاحبه تلویزیونی شرکت کرده و به سؤالات خبرنگاران پاسخ گفته است. از آنجا که این مصاحبه می تواند ما را در شناخت بیشتر او یاری دهد، ما برخی از قسمت های این مصاحبه را مرور می کنیم:

آقای رئیس جمهور که همیشه به اعداد و ارقام توجه دارید خیلی خوب می دانید که نزدیک به ۴۰ درصد از مردم در انتخابات شرکت نکردند اما او باز هم همان افسانه مضحک ۹۹٪ را که مدت ها است اعتبار خود را از دست داده و در میان توده ها به یک شوخی بدل شده است، در تلویزیون تکرار کرد و مدعی شد که گروه های مترقی فقط ۱ درصد هستند. این ادعا همانگونه که در ماه های گذشته دیدیم وارد زبان خیلی از کسانی بوده است که خود نیز می دانستند چنین چیزی دروغ محض است.

لازم است به آقای رئیس جمهور یاد آور شویم که ایشان تنها رای بیش از ۱۰ میلیون تن یعنی رای کمتر از نصف مردم را در جیب دارند. نه رای ۹۹٪ و این رای ها نیز از آن جهت به حساب آورده شده که کاندیدهای کمونیست ها و سایر نیروهای انقلابی در صحنه حضور نداشته اند. بنابراین اگر واقعا ایشان خواستار وحدت همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست هستند بهتر است از تکرار افسانه ای که امروز اعتبار خود را از دست داده است، دست بردارند.

بنی صدر

در باره خطبچه گفت؟

آقای رئیس جمهور در مورد خلق ها نیز موضعی گرفت که باعث نگرانی عمیق همه دوستداران صلح عادلانه در کردستان شد. او با عنوان کردن تجزیه طلبی و غیره حرف های گذشتگان را تکرار کرد. بقیه در صفحه ۷

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود

اینک مردم آگاه میهن به رغم همه تبلیغاتی که علیه خلق کرد شده است به خوبی می دانند که خلق قهرمان کرد خواستار صلح عادلانه و خودمختاری در چارچوب ایرانی مستقل، آباد و دمکراتیک است.

چه کسی خواستار تجزیه میهن ما است؟ امروز مردم خوب می دانند که دولت بازرگان و عناصری مثل امیر انتظام، چمران و قطب زاده و غیره بارها کوشیدند خواستهای حق طلبانه خلق قهرمان کرد را لوث کنند و بسا

برجسبهای ناچسب تجزیه طلبی و سوء استفاده از احساسات میهن پرستانه مردم ایران سیاست سرکوب خلقها را که سیاست امپریالیسم آمریکا است به پیش برند.

این سیاست البته با مقاومت قهرمانانه جنبش مقاومت خلق کرد در هم شکسته شد. این سیاست همان سیاست زور و سرکوب بود. سیاست به کار گرفتن ارتش برای سرکوب زحمتکش ایران بود. سیاست قتل عام اهالی روستای قارنا بود. سیاست اعزام

فرزندان دلاور کردستان بود. این سیاست اگر پیروزی شد معنی اش پیروزی فرماندهان ارتش، پیروزی چمران و پیروزی امپریالیسم آمریکا بود و البته در صورت پیروزی این سیاست آقای بنی صدر هم امروز رئیس جمهور نبود.

مردم میهن ما به یاد دارند که خلق کرد خواستار جنگ نبود. بلکه چمران ها، ظهیرزادها، صباغیان ها و سایر کسانی که هنوز هم پستهای حساس حکومت را در اختیار دارند و هنوز هم در پی پیشبرد سیاست ورشکسته سرکوب خلقها هستند بسا

نقشههایی دقیقاً حساب شده جنگ را بر خلق قهرمان کرد تحمیل کردند و بدیهی است که مردم آگاه و مبارز کردستان با مقاومت قهرمانانه خود سیاست سرکوب خلقها را ورشکسته ساختند و مبارزات صدامریالیستی - دمکراتیک خلقهای میهن را اوجی تازه بخشیدند.

اگر آقای بنی صدر واقعا خواستار وحدت خلقهای میهن ما است اگر آقای رئیس جمهور همانگونه که مدعی است طرفدار سیاست زورگویی نیست، باید این ادعاها را در عمل نشان دهد، و حرفهای سابق را تکرار نکند. به اراده مردم کردن نهد و همانگونه که مردم می خواهند نه تنها چمرانها و صباغیانها بلکه

نتایج انتخابات و اولین ...

بقیه از صفحه ۶

بنی صدر در مورد

کنفرانس پاکستان طفره رفت

بنی صدر از شرکت در کنفرانس پاکستان که توده های میهن ما عمیقاً آن را محکوم می کنند، حمایت کرد. او در مصاحبه تلویزیونی خود از تصمیم شورای انقلاب در مورد شرکت در کنفرانس پاکستان دفاع کرد.

رئیس جمهور در برابر این سؤال که نظر شما در مورد کنفرانس پاکستان چیست، کوشید از دادن پاسخ صریح طفره رود و بجای آن که نظر خود را آشکارا بگوید، گفت وقتی شورای انقلاب این تصمیم را گرفت من غایب بودم. این طفره رفتن نشان داد که بنی صدر نمی خواهد نظر خود را آشکارا به مردم بگوید. با این همه از فحواي سخن بنی صدر معلوم شد که او با شرکت در این کنفرانس موافق است چرا که دست آخر گفت به هر حال تصمیم شورای انقلاب بایسته اجرا شود. او با این گفتار خود با همه نیروهایی که شرکت در کنفرانس را محکوم کرده اند و نیز بسا دانشجویان مسلمان پیرو خط امام مخالفت کرد.

اینک مردم آگاه ما می دانند که کنفرانس پاکستان

مردم ما امروز مصمم اند سلطه امپریالیسم آمریکا را که امپریالیسم غالب در کشور ما است، نابود کنند. آنها اینک با این دشمن بزرگ خویش دست به گریبانند و به حسی می گویند. امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی ما است. هر کس بخواهد مدعی شود که دشمن اصلی داریم و آن هم یکی از کشورهای سوسیالیستی را بعنوان دشمن معرفی کند بدون شک کوشیده است از فشار خرد کننده مردم علیه امپریالیسم آمریکا بکاهد و دانسته یا ندانسته به امپریالیسم آمریکا خدمت کرده است.

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بسا سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را پیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

مردم ما امروز مصمم اند سلطه امپریالیسم آمریکا را که امپریالیسم غالب در کشور ما است، نابود کنند. آنها اینک با این دشمن بزرگ خویش دست به گریبانند و به حسی می گویند. امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی ما است. هر کس بخواهد مدعی شود که دشمن اصلی داریم و آن هم یکی از کشورهای سوسیالیستی را بعنوان دشمن معرفی کند بدون شک کوشیده است از فشار خرد کننده مردم علیه امپریالیسم آمریکا بکاهد و دانسته یا ندانسته به امپریالیسم آمریکا خدمت کرده است.

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بسا سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را پیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بسا سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را پیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بسا سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را پیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بسا سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را پیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بسا سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را پیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

درحانیه انتخابات

"حزب توده" بار دیگر

سیاست ورشکسته خود را بنمایش گذاشت

پنداشت و با اعلام حمایت حوزه مدرسین قم و چند تن از امام جمعه های شهرستانها از حبیبی با خوشحالی و بسا عجله حمایت خود را از وی اعلام کرد.

اما با همه تبلیغاتی که برخی از جناحهای روحانیت، برخی از عناصر سرشناس و "حزب توده" از حسن حبیبی به عمل آوردند، حبیبی در سراسر ایران تنها ۶۰۰ هزار رای آورد. که بدون شک این تعداد آراء نیک از آن روحانیت و امام جمعه های طرفدار حبیبی است.

"حزب توده" امیدوار بود نفوذ ادعایی خود را در زیر پوشش میلیونها رای که بسا دخالت روحانیون طرفدار حبیبی به صندوقها ریخته می شود پنهان کند، اما توده ها این بار مشت "حزب" را باز کردند و ثابت کردند که "حزب توده" پایگاهی در میان توده ندارد.

"حزب توده" در روزهای پیش از انتخابات نشان داد که تا چه حد از این کسه آیت الله خمینی گفته است من بنا ندارم کسی را تأیید کنم ناراحت است.

این "حزب" که بدون تردید برای نزدیک شدن به کسانی که در قدرت باشند یا احتمال به قدرت رسیدنشان وجود داشته باشد، دست به هرکاری می زند، هنگامی که آیت الله خمینی را دشمن ارشد دید، بار دیگر ورشکستگی سیاسی خود را به نمایش گذارد.

"حزب توده" ملتسمانه و با زبان بی زبانی از روحانیت خواست که تکلیف حزب به اصطلاح طراز نوین طبقه کارگر را روشن کند تا "حزب" ندانسته و خود سرانه از کسی طرفداری نکند.

"حزب توده" در آخرین روزهای پیش از انتخابات معمای خود را حل شده

امروز بیش از پیش درمی یابند که جهان به دو بلوک امپریالیستی و کشورهای سوسیالیستی و کشورهای ترقیخواه که دشمن امپریالیسم هستند تقسیم می شود و هم از این رو است که مردم، درک می کنند دولت های امپریالیستی یعنی امپریالیسم آمریکا امپریالیسم ژاپن و دولت های امپریالیستی اروپای غربی و رژیم های دست نشانده این دولت ها دشمنان خلق ما هستند و اما کشورهای سوسیالیست و ملل آزاد شده طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری و خلق های کشورهای تحت سلطه همگی در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا متحد و دوست یکدیگرند.

مردم ما امروز مصمم اند سلطه امپریالیسم آمریکا را که امپریالیسم غالب در کشور ما است، نابود کنند. آنها اینک با این دشمن بزرگ خویش دست به گریبانند و به حسی می گویند. امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی ما است. هر کس بخواهد مدعی شود که دشمن اصلی داریم و آن هم یکی از کشورهای سوسیالیستی را بعنوان دشمن معرفی کند بدون شک کوشیده است از فشار خرد کننده مردم علیه امپریالیسم آمریکا بکاهد و دانسته یا ندانسته به امپریالیسم آمریکا خدمت کرده است.

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بسا سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را پیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بسا سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را پیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بسا سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را پیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بسا سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را پیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بسا سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را پیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بسا سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را پیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بسا سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را پیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بسا سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را پیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بسا سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را پیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

مردم ما خواستار استقلال کامل میهن و نابودی سلطه امپریالیسم جهانی بسا سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. طبقه کارگر و همه زحمتکشان و روشنفکران ترقیخواه ایران فشار همه کشورهای امپریالیستی را بردوش خود حس می کنند. زحمتکشان ما در زندگی روز مره خود و در مبارزات خود دشمن را می بینند و آنرا می شناسند. و در این میان فشار دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته را پیش از هر چیز لمس می کنند. مردم ما در هر گام از مبارزات خود دشمن اصلی را می بینند و هم از این رو است که هر روز بهتر از پیش مفهوم دشمن اصلی را درک می کنند و بی اعتنا به اراده و تصورات شخصیتها با دشمن اصلی خود پیکار می کنند.

سیاست های آنها را قاطعانه طرد کند، با هیئت نمایندگی خلق کرد که نماینده همه مردم کردستان است، صادقانه به مذاکره بنشیند و بدین سان ادعاهای خود را عملاً ثابت کند و بداند که خلق کرد واقعا خواستار صلح است.

آقای بنی صدر باید بداند که نیروهای انقلابی خلق به ویژه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که مدافع طبقه کارگر و زحمتکشان ایران است قاطعانه از وحدت خلق های ایران دفاع می کنند و استقرار صلح عادلانه کردستان و خودمختاری خلق های ایران را در چارچوب ایران مستقل و دمکراتیک ضامن وحدت خلق های ایران می دانند و خلاصه آقای بنی صدر باید بداند که سیاست سرکوب خلقها در هیچ شرایطی پیروز نخواهد شد.

بنی صدر در مصاحبه خود

الهامه دوا بر قدرت را پیش کنید

در مورد دشمن اصلی خلق های ایران یعنی امپریالیسم آمریکا، آقای بنی صدر می گوید:

من "دوا بر قدرت" آمریکا و روس را به پیکان دشمن ایران می دانم. آنها هر دو دشمن اصلی هستند. کوبی رئیس جمهور نمی داند که معنی دشمن اصلی چیست. دشمن اصلی یعنی آن نیروی سلطه گری که هم اکنون بر میهن ما مسلط است، یعنی امپریالیسم آمریکا که به ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد به امپریالیسم غالب در میهن ما بدل شده است و سلطه اقتصادی، سیاسی، نظامی و حتی فرهنگی آن میلیونها تن از مردم مارا خانه خراب کرده، دهها هزار تن از مردم مارا به خاک و خون کشیده، شمره کارگران و دهقانان ما و منابع سرشار میهن ما به ویژه نفت مارا به غارت برده و هنوز هم اقتصاد ما با هزاران رشته به آن وابسته است. و هنوز هم مهره های سرسپرده آن در رأس ارتش و در پست های حساس دولتی مشغول خیانت به خلق های ایران هستند و برای نابودی همه ثمرات مبارزات مردم دندان تیز می کنند. مردم ما

کارگران صنایع فولاد اهواز؛ قاطع و پولادین علیه امپریالیسم

دوشرکت امپریالیستی
پیمانکاری فاسترویل-
تهران جنوب و عملکرد
آنان

در ۲۶ مهرماه ۱۳۵۴ برای نصب ماشین آلات و تجهیزات مجتمع فولاد اهواز و بطور کلی برای انجام کارهای مونتاژ مجتمع فولاد اهواز قرارداد هائی با دوشرکت "فاسترویل-تهران جنوب" بسته شد. "فاسترویل-تهران جنوب" در سال ۵۴ موظف شدند که سه قسمت اصلی از پنج قسمت طرح را پیاده کنند، این قرارداد در ۲۶ فروردین ۵۷ برای مدت دو سال تمدید گردید. بر طبق این قرارداد، تنها مدیریت و سرپرستی کارها و تا مین پرسنل و احداث انبار و مواردی از این قبیل به عهده این دوشرکت پیمانکار گذاشته شده و مسئولیت های اصلی از جمله محارج کراف مربوط به خدمات را مجتمع فولاد اهواز به عهده گرفت. این قراردادها به گونه ای تنظیم شده که پیشرفت طرح مجتمع فولاد اهواز در کنترل دو پیمانکار مزبور قرار می گیرد و به اراده دو پیمانکار مزبور بستگی دارد. بر این اساس امپریالیست ها با قبضه مدیریت پیمانکاران در هدف های چپاولگرانه خود را پیش برند. بر سر قرارداد های "فاسترویل-تهران جنوب" نشان می دهد که مسئولین انگلیسی شرکت و سوپروایزرهای انگلیسی برای تامین منافع امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا از هرگونه آزادی عملی برخوردارند و تنها برای پیشبرد هدف های امپریالیسم در مین ما به کار اشتغال دارند. در حالیکه حقوق و مزایای ماهانه هر یک از سوپروایزرها بین ۱۰/۵۰۰ تا ۳۵۰۰ تومان است، شرکت ها این میزان را کافی ندانسته و پیمانکار در عمل مبلغی نزدیک به ۵ برابر این مبلغ را از مجتمع دریافت می کند. مدیریت انگلیسی پیمانکار تحت عناوین مختلف ماهانه در حدود ۳۰ میلیون تومان به عنوان محارج این قراردادها برای شرکت های صنایع فولاد اهواز خرج تراشی می کند. این در حالی است که محارج کل مجتمع عطیم فولاد اهواز در ماه در حدود ۱۰۰ میلیون تومان

در شماره های قبلی... برای نشان دادن بهره گیری شرکت... امپریالیستی از سوزده... شخصی شاهد مسائل آورده... گفتیم که چگونه... میهن... به ویژه... علبه بهره کشی و غارت...

می باشد. مدیریت کنونی شرکت ها به عهده سه نفر انگلیسی، "قاولو" رئیس پروژه، "میرگ" مسئول امور رسیدگی به پیشرفت کار و "اسکرینجر" مسئول امور مالی

مسئولین انگلیسی شرکت و سوپروایزرهای انگلیسی برای تامین منافع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا از هرگونه آزادی عملی برخوردارند و تنها برای پیشبرد هدف های امپریالیسم در مین ما به کار اشتغال دارند.

شرکت می باشد. مدیریت انگلیسی در طول بعد از انقلاب نه تنها کاری انجام ندادند بلکه بابت حق مدیریت خویش طی ۳ ماه اول در حدود ۲۳ میلیون تومان دریافت داشتند. که این مقدار در نظر گرفتن تغییر ارزش پول برای دو سال قرارداد دوم به ۴۰ میلیون تومان افزایش پیدا کرده است. اگر بر این حق مدیریت در دریافت های اضافی حقوق سوپروایزرها و غیره را نیز اضافه کنیم و با توجه بر اینکه پیمانکار (در واقع مدیریت انگلیسی سه نفره) یک پنجم حقوقی که بابت سوپروایزرها از دولت می گیرد، بدانها می پردازد، میزان غارت پیمانکار به مراتب بیشتر از ۴۰ میلیون تومان می شود. مثلا اگر فرض کنیم که پیمانکار نصف حقوق دریافتی سوپروایزرها را به آنها بدهد (که تمام حقوق دریافتی اکنون ۶ میلیون تومان می باشد) کل مبلغ پرداختی به پیمانکار برای مدت دو سال قرارداد دوم لااقل ۱۰۰ میلیون تومان خواهد بود. با توجه به اینکه مبلغ پرداختی به پیمانکار بابت سوپروایزرها، ۱/۵ برابر حق مدیریت است، مدیریت ۳ نفره انگلیسی "فاستر

شرکت ها پیگیرانه مبارزه می کنند. از جمله مبارزات کارگران و کارکنان انقلابی... مبارزه کارگران... و چپاول این... سرمایه امپریالیستی... مدیریت آنان... صحبت کنیم.

وینر "در دو سال مبلغی حدود ۸۰ میلیون تومان دریافت می کند.

سیاست شرکت ها، سیاست امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا است.

ببینیم شرکت های یاد شده با چه سیاستی به بهره کشی از طبقه کارگر ایران و تصاحب دسترنج آنان می پردازد. آقای اکبر طالقانی قائم مقام فعلی پروژه "فاسترویل-تهران جنوب" در سندی که تحت عنوان "گزارش توجیهی در مورد کار شرکت های فاسترویل-تهران جنوب" نوشته و برای دکتر احمد... زیر

صنایع و معادن جمهوری اسلامی فرستاده است، تا حدودی پرده از ماهیت امپریالیستی قراردادها

در اینجا می خواهیم از نحوه عمل دوشرکت... فاسترویل-تهران جنوب و چپاول این... سرمایه امپریالیستی... مدیریت آنان... صحبت کنیم.

بر می دارد. حالب این است که اکبر طالقانی به جای انتشار گزارش خود، در صفحه ۲ سند، اصرار دارد که این گزارش کاملا محرمانه بماند تا کارگران از آن آگاهی نیابند چه از رشد آگاهی توده های وسیع کارگران هراس دارد. او اصرار دارد که سند فقط در دو نسخه تهیه شده و بخوبی محافظت شود. ماعین مطلب را از صفحه ۲ سند برای آگاهی کارگران انقلابی "فاسترویل-تهران جنوب" و دیگر کارگران میهنمان در اینجا می آوریم. بر طبق اعترافات موجود در صفحه ۳ سند در حالیکه رانده مان کار پیمانکار در مرداد ۱۳۵۷ حدود ۴٪ بوده، ولی در ۶ ماه بعد از قیام حتی از ۱٪ نیز تجاوز نکرده است. به این ترتیب تمام ۴۰٪ کارهای باقیمانده در طرح بیش از ۳ ماه دیگر طول می کشد.

بنا بر تالی که... کارگران... در وقت... در وقت... در وقت...

در وقت... در وقت... در وقت... در وقت... در وقت...

در دو هفته... چرند بران این شرکت... می دهند و عملا خواهان متوقف کردن جریان تولید می باشد. نزدیک شدن به پایان قرارداد و مناسبت سی و یکمین سالگرد انقلاب... می توان که "مخصوصا شرکت فاسترویلر هیچگونه مسئولیتی در جهت این افزایش (منظور افزایش رانده مان است) به عمل نیاورد. مطابق پیشنهادات ارائه شده خود می خواهد حتی "از فعالیت فعلی هم تا حد امکان جلوگیری به عمل آورد" یعنی فاسترویلر حتی حاضر نیست همان ۱٪ رانده مان را بدهد! گزارش آقای طالقانی کاملا روشن می کند که چه کسانی خواهان متوقف ساختن جریان تولید فولاد هستند و از آن سود می برند. مابه منظور آگاهی کارگران از هدف هائی که امپریالیست ها دنبال می کنند، این قسمت از گزارش را عینا چاپ می کنیم.

اصل صفحه ۵ سند در صفحه ۹

در سند وضعیت پیمانکار تهران جنوب نیز مشابه فاسترویل ترسیم شده است.

سیاستی که مسئولین دولتی در این شرکت ها دنبال می کنند.

حال ببینیم در مقابل این حقایق مسئولین امر چگونه برخورد می کنند.

در راه حل عملی که توسط اکبر طالقانی پیشنهاد می شود، از یک طرف بد رستی پیشنهاد می کند که این قراردادها بطور کامل لغو گردد و از طرف دیگر از آنجا که خواهان حفظ سرمایه داری است، در پیشنهادات خود نشان می دهد که چگونه برای ادامه بهره کشی از طبقه کارگر تلاش می کند. او در این زمینه نشان می دهد که تا چه میزان از شکل و آگاهی کارگران هراس دارد و به این دلیل نیز از پیشرفت مبارزه ضد امپریالیستی نگران و در هراس است.

از جمله او مبارزات پیگیر و قاطع کارگران علیه امپریالیسم و منافع آن "زیاده خواهی" توصیه می کند و کارگران را به "تسری" متهم می کند، طالقانی در بقیه در صفحه ۹

پر توان باد جنبش طبقه کارگر، پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

گزارشی از شوراهای اتحادیه‌های دهقانان روستاهای اطراف قم

دهقانان و زحمتکشان روستا برای پیشبرد مبارزات خود درک کرده‌اند که احتیاج به سازمان و تشکل دارند. آنها براساس تجاربی که از قیام تا کنون کسب کرده‌اند، در این زمینه نیز گام‌های استواری به پیش برمی‌دارند.

داده، دریافت مواد غذایی از تعاونی‌های روستائی و توزیع عادلانه آن بین دهقانان، دریافت کود به قیمت ارزان و توزیع و تحویل آن به کشاورزان و کشت زمین‌های مصادره‌شده از زمین‌داران و مالکان بزرگ بوده‌است. اتحادیه‌های دهقانی لنگرود در جاده کاشان واقع شده‌است. این اتحادیه متشکل از شوراهای دهقانی چند روستا می‌باشد. یکی از اهدافی که تا کنون این اتحادیه به انجام آن روبروست، مصادره باغات پسته و مزرعه مکانیزه یکی از زمین‌داران بزرگ (امیرناصر دیبا، از وابستگان فرح) می‌باشد لازم به تذکر است که امیرناصر دیبا یکبار دستگیری شد ولی با قید ضمانت از طرف کمیته آزادی می‌گردد.

اتحادیه‌های دهقانی (نوفل‌لوشاتو) نیز از جمله اتحادیه‌های دیگر این منطقه است که بازم با راهنمایی‌ها و فعالیت‌های پیگیر عناصر آگاه و مترقی و با یاری دهقانان زحمتکش ایجاد شده‌است. از جمله اقداماتی که این اتحادیه موفق به انجام آن گردیده‌است، مصادره یک معدن سرب و یک معدن کوچک سنگ‌است که اجازه استخراج آن نیز دریافت شده و به توافق اعضای اتحادیه کسه نمایندگان روستائیان زحمتکش می‌باشند، قرار شد که درآمد آن بیشتر صرف عمران و آبادی کبک و روستاهای اطراف آن گردد.

مناسبی برخوردار نبوده و به علت عدم رسیدگی به حداقل نیازهای بهداشتی روستائیان، بسیاری از فرزندان آنها، مبتلا به آبله مرغان بوده و صورت‌هایشان غالباً پوشیده از زخم‌های ناشی از این بیماری است. پرواضح است که چنین شرایطی شامل حال زمین‌داران بزرگ و مالکان بانفوذ نمی‌شود و آنان مطابق معمول از امتیازات و امکانات رفاهی و بهداشتی برخوردارند. اگرچه پس از قیام، زحمتکشان این روستاها نیز با اقدامات انقلابی خود به مصادره زمین‌های مالکین و زمین‌داران بزرگ پرداختند اما زمین‌داران و مالکین سا حمایت همه جانبه برخی روحانیون با نفوذ و دست‌اندرکاران مملکتی در پاره‌ای مناطق دست به سرکوب زحمتکشان روستا و دهقانان فقیر زدند. در جریان این مبارزه بود که زحمتکشان روستاهای قم با کمک افراد آگاه و انقلابی به ضرورت تشکل از طریق شوراهای اتحادیه‌ها واقف شدند، که ما در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از آنها می‌پردازیم.

اتحادیه‌های روستاهای دهقانی چهار روستا، از جمله ملک‌قلعه، کوه سفید، سلطان باجی و قم‌رود تشکیل شده است. از فعالیت‌های بارزی که این اتحادیه تا کنون انجام

زندگی خود نمی‌باشند. به این دلیل بسیاری از روستائیان مجبورند در کنار کار برای زمین‌داران و مالکین بزرگ، بعنوان کارگر ساختمانی راه آهن و معدن نیز به تأمین ابتدائی‌ترین نیازهای زندگیشان بپردازند. خرده‌مالکان که نسبت به گروه اول از وضع بهتری برخوردارند، در برخی روستاها علاوه بر زمین کشاورزی که غالباً به کشت گندم اختصاص می‌یابد، صاحب باغ‌های میوه هستند که از این طریق نیز می‌توانند مخارج زندگیشان را تأمین کنند.

عدم ای دیگر که زمین‌های کمتری برای کشت دارند و یا زمینشان به دلایل مختلف مثل کمبود آب و غیره قابل کشت نیست، به دامپروری روی آورده‌اند.

در بسیاری از روستاهای قم مطلقاً از برق، حمام، مدرسه، و... خبری نیست و در روستاهای هم که مدرسه موجود است، کودکان مجبورند همراه درس کار هم بکنند. تأمین آب آشامیدنی نیز یکی از مسائل بسیار حاد روستائیان این منطقه است. گاهی اهالی گودال‌هایی به عمق ۳ متر می‌کنند که شبانه در آن آب جمع شده و روزها خود و احشامشان همراه با سگ‌های گله از آن آب استفاده می‌کنند. بهداشت نیز از وضعیت

قابل تأکید است. هدف از تشکیل این شورا در روستاهای اطراف قم، تأمین وحدت و یکپارچگی هر چه بیشتر دهقانان زحمتکش است. اتحادیه‌های دهقانی در این ناحیه با تشکل نمایندگان چند شورای روستائی نزدیک به یکدیگر به وجود می‌آید تا از این طریق با قدرت بیشتری به مقابله با زمین‌داران بزرگ و بقایای فئودال‌ها بپردازند. ترکیب شوراهای این منطقه غالباً اشکال سنتی داشته و ریش سفیدان در آن حضور دارند که تدریجاً افراد آگاه‌تر و دهقانان زحمتکش جای آنان را خواهند گرفت. گویانکه این قبیل جابجایی به مذاق برخی خرده‌مالکان مرفه خوش نمی‌آید و حتی گاهی مزاحمت‌هایی را نیز ایجاد می‌کنند، اما تا کنون این قبیل محدودیت‌ها، مانعی جدی در راه عناصر آگاه و دهقانان زحمتکش به وجود نیاورده‌است.

ما، در این گزارش مختصراً به چگونگی زندگی دهقانان برخی از روستاهای قم و مسائل و مشکلاتی که با آن دست به‌گریبانند، می‌پردازیم. اکثر ساکنین روستاهای این منطقه را خوش‌نشینان خرده مالکان تشکیل می‌دهند که اغلب یابی زمین‌اند و یا با قطعه زمینی بسیار کوچک هم حتی قادر به تأمین مخارج

مبارزات زحمتکشان روستا برای برآورده شدن شعار "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند" هر روز دامنه بیشتری پیدا می‌کند. دهقانان برای پس گرفتن زمین‌ها از زمین‌داران بزرگ، مبارزات خود را گسترش می‌دهند. مبارزه برای لغو بدهی و حذف کلیه بازپرداخت‌ها، مبارزه برای دریافت وام بدون بهره، مبارزه برای تأمین بهداشت، آموزش و راه و مدرسه. این مبارزات هر روز دهقانان بیشتری را به میدان مبارزه می‌کشاند.

دهقانان و زحمتکشان روستا برای پیشبرد این مبارزات درک کرده‌اند که احتیاج به سازمان و تشکل دارند، آنها بر اساس تجاربی که از قیام تا کنون کسب کرده‌اند، در این زمینه نیز گام‌های استواری به پیش برمی‌دارند. امروز در بسیاری از روستاهای میهن ما، شوراهای اتحادیه‌های دهقانان به وجود آمده‌است. تکامل یافته‌ترین شوراهای اتحادیه‌های دهقانان ترکمن صحرا است.

شوراهای اتحادیه‌های دهقانان قم، بر پایه اشکال سنتی تشکل دهقانان به وجود آمده و از این نظر قابل بررسی است. سنت‌ها و آئین‌های مذهبی در شکل سازمان دهی شوراهای اتحادیه‌های دهقانان قم مستقیماً دخالت داشته و به آن ویژگی خاصی بخشیده است. این مسئله بخصوص در شکل‌گیری شوراهای دهقانی

راه پیمائی دهقانان سلدوز علیه فئودال‌های منطقه

نوشته پلاکاردها به قرار زیر بود: "فئودالیسم نابود است، متضعف پیروز است." "فئودالیسم نابود است، کشاورز پیروز است." "حمایت از فئودال‌ها، حمایت از آمریکا است." دهقانان گفتند دولت نباید از فئودال‌ها و مرتجعین حمایت کرده و علیه زحمتکشان اقدام کند. حال این کس هر کس می‌خواهد باشد. در آخر خوش‌نشین‌ها بر لزوم تقسیم زمین‌های منطقه که در دست فئودال‌ها می‌باشد، تأکید کردند. این راهپیمائی با اعلام یک قطعنامه ۱۰ ماده‌ای در ساعت ۱۳/۵ پایان یافت.

آزادی جمع شده و بعد از سخنرانی یک نفر که در آن از لزوم اتحاد دهقانان و اینکه چرا دهقانان دیگر، ساکت نشسته‌اند. سخن‌ران و ضمن آن یادآور شد که فئودال‌ها توسط بعضی از سران مزدور ارتش حمایت و مسلح می‌شوند و اینکه یک عده از دهقانان دانسته یا ندانسته به خدمت اربابان خائن درآمده و علیه دهقانان به کار گرفته می‌شوند، سخن‌ران گفت که دیگر دوران زور و قلدری اربابان سپری شده‌است و باید دهقانان بسیا خاسته و متحد شوند و زمینها را بین خود تقسیم کنند. دهقانانی که در راهپیمائی شرکت داشتند، حدود ۱۰۰ نفر بودند. بعضی از شعارها و

روز ۱۸ دی ماه ۵۸ دهقانان چند روستا از جمله یادگارلو، گوران آباد، چپانه و... برای اعتراض به مسلح کردن فئودال‌ها و عمالشان علیه دهقانان بی زمین‌پشتیبانی از عمل انقلابی دهقانان یادگارلو و خنثی ساختن توطئه اربابان پس از تجمع در مسجد صاحب‌الزمان و سخنرانی چند نفر از جمله روستائیان علیه توطئه‌های اربابان و جنایت‌های چندین ساله آنها، شروع به راهپیمائی کردند. راهپیمان ضمن عبور از خیابان‌های شهرنقده اعمال ننگین فئودال‌ها را محکوم کردند. راهپیمائی از ساعت ۱۲ ظهر شروع شد و بعد از طی مسافتی در میسندان

دهقانان زحمتکش!

زمینی که دشمن روی آن کار میکند و زحمت میکشید باید از آن شما باشد.

زمینهای سرزمین داران و فئودال‌ها و زمین‌داران بزرگ را در اختیار خود بگیرید و باکشت و اداره جمعی زمینها به دست خود نگذارید که بش گذشته حاصل کار و زحمت‌تان را سرمایه داران و اربابان و فئودال‌ها به غارت ببرند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند!

کلیه قروض و بدهی‌ها به بانک‌ها و مؤسسات دولتی و خصوصی باید لغو گردد!

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان
۵۸/۱۲۸

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

مبارزه کارمندان اداره شماره گذاری برای تأمین خواستهایشان همچنان ادامه دارد

*** قاتلین علی اکبر رضائی کارمندان اداره که توسط افراد کمیته به ضرب گلوله به شهادت رسید، آزادانه زندگی می کنند.**

۳ نفر از نمایندگان کارمندان اداره راهنمایی و رانندگی تهران در بخش شماره گذاری به منظور اعتراض به آزادی سرهنگ پروانسی قاتل علی اکبر رضائی، کارمند آن اداره و دستگیری دونفر از نمایندگان خود، روز ۲۲ دی ماه ۵۸ در دفتر شهرداری تهران متحصن شده و با اعتصاب غذا دست زدند.

کارکنان اداره شماره گذاری راهنمایی و رانندگی از حدود ۶ ماه پیش خواستار رسیدگی به خواستهای خود بودند که مهم ترین آنها عبارت بود از:

- ۱- افشاکری پیرامون سو استفادههایی که در این اداره شده است.
 - ۲- تعویص رئیس اداره شماره گذاری.
 - ۳- تشکیل شورا.
- در طول این مدت نه تنها به خواستهای آنها رسیدگی نشد، بلکه تصمیم گرفته شد که ۳۷۰ نفر از کارمندان اداره شهرداری را اخراج کرده و به جای آنان مامورین شهرستانی را

بگذارند. کارمندان پس از اطلاع از این موضوع تصمیم می گیرند که مسئله را با یکی از مسئولین مطرح کنند. به همین منظور روز چهارشنبه ۲۱ آذر ۵۸ جلوی درب اداره که به روی آنها بسته شده بود، به عنوان اعتراض اجتماع می کنند. در این هنگام مامورین کمیته به اجتماع کنندگان حمله می کنند و در گیر و دار این رو در روئی مامورین کمیته با مردم، یکی از کارمندان به نام علی اکبر رضائی به شهادت می رسد. به دنبال این واقعه کارمندان به مبارزات خود با شدت بیشتری ادامه دادند و طی قطعنامه ای اعلام کردند:

"۱- ما، شهرداری تهران و سرهنگ ثانی رئیس اداره راهنمایی و رانندگی را که برای جلوگیری از افشاکری و پاکسازی عناصر وابسته، در ب اداره شماره گذاری را به روی کارمندان بستند، مسئول قتل بردار شهیدمان علی اکبر رضائی که بدست فرستادگان آنها انجام گرفت، می دانیم

۲- قاتل که شناخته و دستگیر شده و در کمیته مرکزی می باشد، و عاملان شهادت علی اکبر رضائی باید در دادگاه عدل اسلامی به محاکمه کشیده شده، به مجازات عمل خود برسند.

۳- تمام حقوق و مزایای بردار شهیدمان بصورت کارمندی رسمی به بازماندگانش داده شود و نیز مسکن برای خانواده شهید مهیا گردد.

اکنون کارمندان که پس از گذشت یکماه، شاهد عدم رسیدگی به پرونده قاتلین علی اکبر رضائی و آزادی آنها هستند، در تحصن و اعتصاب غذا به سر می برند.

"شورای کارمندان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه" و "شورای اسلامی کارمندان شهرداری و راهنمایی و رانندگی" از جمله شوراهایی هستند که از مبارزات کارمندان اداره راهنمایی و رانندگی پشتیبانی کردند.

گزارشی از مبارزات هنرجویان در خرم آباد

سرانجام هنرجویان هنرستان شیمی خرم آباد موفق شدند رئیس خود را از کار برکنار کنند. عبدالرضا قیاسیان رئیس هنرستان شیمی خرم آباد که گفته می شود از مبلغان حزب جمهوری اسلامی است، نقش فعالی در بهم ریختن گرد همائی ها، توسط افراد اوباش و مهاجم داشته و مانع فعالیت های آزاد سیاسی هنرجویان در هنرستان بوده است و حتی چند هنرجو را به جرم "صدانقلابی" و "توطئه گر" از هنرستان اخراج کرده بود.

هنرجویان که از اقدام های قیاسیان به ستوه آمده بودند، روز ۲۴ دی ماه ۵۸ تصمیم گرفتند که او را از کار برکنار کنند. هنرجویان به دنبال تصمیم خود، در محوطه اداره آموزش و پرورش متحصن شده و خواسته های خود را که اخراج قیاسیان از هنرستان، بازگشت هنرجویان اخراجی و به رسمیت شناختن شوراهای معلمین و محصلین و اداره امور هنرستان به دست شوراها، بود، مطرح کردند و سرانجام موفق شدند قیاسیان را برکنار کنند.

حمله به راهپیمائی

دیپلمه های بیکار

● مهاجمان با چوب و چماق به راهپیمائی دیپلمه های بیکار یورش بردند و تعدادی از آنان را زخمی کردند. روز یکشنبه ۲۲ دی ماه ۵۸ گروهی از دیپلمه های بیکار بروجرد که در میان آنها عده ای عبدالوارث نیز بوده، با اعلام قبلی دست به یک راهپیمائی زدند. دیپلمه های بیکار در طول راهپیمائی شعار

می دادند. "کار، کار حق مسلم ما ست" اما این راهپیمائی با حمله افرادی که از قبل توسط فرماندار و رئیس شهرستانی و عده ای سرمایه دار بروجردی اجیر شده بودند، مواجه شد که بر اثر آن چند تن از راهپیمایان به سختی آسیب دیدند و روانه بیمارستان شدند.

اشغال دفتر انجمن دانشجویان مسلمان کرمانشاه

توسط گروهی از پاسداران مسلح

گروهی از پاسداران مسلح به دفتر انجمن دانشجویان مسلمان کرمانشاه حمله کرده و ستاد فعالیت گروه های فعال سیاسی را اشغال کردند. به دنبال اعلام انصراف مسعود رجوی، کاندیدای مجاهدین خلق از انتخابات ریاست جمهوری، گروهی متشکل از پاسداران مسلح، صبح روز ۳۰ دی ماه ۵۸ دفتر انجمن دانشجویان مسلمان کرمانشاه را حمله کرده و تمامی وسایل موجود در ستاد را غارت و متلاشی کردند. متعاقب این عمل، مدارس به عنوان اعتراض تعطیل شده و انبوه جمعیت در برابر ستاد اشغال

شده گرد آمدند و شعار می دادند "مرگ بر پاسدار ارتجاعی" و اجتماع کنندگان به تظاهرات خود ادامه دادند تا اینکه پاسداران داخل ستاد به ظاهر توافق کردند که محل ستاد را تخلیه کنند، لکن چندی نگذشت که گروهی از پاسداران به کمک رسیدند و با پرتاب گاز اشک آور و شلیک هوایی، جمعیت را پراکنده کردند.

ذریه اقدام پاسداران، از سوی گروه های سیاسی اعلام راهپیمائی شد.

معلمان مبارز استهبان فارس را اخراج کرده اند

معلمان مبارز استهبان فارس ضمن ارسال نامه ای به نشریه "کار" نوشتند:

"ما معلمین دبیرستان های استهبان، فارس را به اتهام مبارز بودن از کار اخراج

کردماند و شغلی را که به خاطر خدمت به مردم بدان دل بستیم، از ما گرفتند و این در حالی است که کارکنان سرسپرده ای را که تا دیروز گزارش اقدامات ما را به ساواک

تحصن خانواده های زندانیان سیاسی کوه دشت

خانواده های سه تن زندانی که در زندان کوه دشت به سر می برند، به منظور اعتراض به محکومیت فرزندان شان، در دادگاه این شهرستان متحصن شدند. از این سه تن زندانی، یکی به اتهام ارتباط با جریان های پاره به سه سال زندان محکوم شده و دو تن دیگر که یکی معلم و دیگری کارگری روستائی است، در جریان حمله پاسداران به دیپلمه های بیکار در خرم آباد، دستگیر و زندانی شده اند.

ذریه تحصن خانواده های سه تن زندانی کوه دشت،

کار مسکن آزادی

نقدی پیرامون مقاله "اکنون میسیم و آنارشیزم در حرف دشمن یکدیگرند و در عمل دست یکدیگر را می فشارند"

انتشار مقاله "اکنون میسیم و آنارشیزم در حرف دشمن یکدیگرند و در عمل دست یکدیگر را می فشارند" عکس العمل های متفاوتی را برانگیخت. نقدهای متعددی بر آن نوشتند و انتقادهایی نیز به دست ما رسید. هر دسته و گروهی

بر اساس تمایلات و نقطه نظرهای خاص خود این مقاله را مورد ارزیابی و نقد و بررسی قرار داد و بنابه مصالحی که دنبال می کرد چشم اندازهایی در آن جستجو نمود. بازتاب وسیع این مقاله و تأکیدها و انتقادهایی که بر آن شد موید نقش و مسئولیت بزرگی است که سازمان

ما در جنبش کمونیستی ایران برعهده دارد. ما وظیفه خود دانستیم مقاله را مجدداً مورد ارزیابی قرار دهیم و اینک ضمن پوزش تاخیری که در این مورد روی داد حاصل بررسی های خود را با شما در میان می گذاریم.

اکنون میسیم و آنارشیزم حضور و نبود تمایلات و ایدئولوژی غیرپرولتاری در جنبش کمونیستی است. ترکیب جوان و منشا خرد بورژوازی بخش وسیعی از کارگران، عدم آگاهی طبقاتی نوده های عظیم کارگران ایران، وضعیت جنبش کمونیستی چه به لحاظ تاریخی و چه به لحاظ مشخص آن و موقعیتی که در شرایط کنونی خرد بورژوازی سنتی در میهن ما از آن

عملی واحدی منجر گردند. در عرصه مبارزه طبقاتی، هر دو این انحراف، به جنبش طبقه کارگر، به شکل طبقه کارگر، شکل گیری سیاست مستقل طبقه کارگر و رشد آگاهی های سوسیالیستی آن زیان های جدی می رساند. هر دو این انحراف در خدمت منافع آبی و آبی بورژوازی و خرد بورژوازی قرار دارد و به تحکیم موقعیت آنان می انجامد.

حفاظت مشروط یعنی وقتی خرد بورژوازی علیه دشمن مشترک مبارزه می کند، مورد حمایت پرولتاریا قرار می گیرد، ولی هنگامی که خرد بورژوازی با دشمن مشترک به معاشات می نشیند و یا علیه پرولتاریا وارد عمل می شود، با مخالفت پرولتاریا روبرو می شود.

مقاله "اکنون میسیم و آنارشیزم..." می گوید که پیوند و تبدیل و نتیجه عملی یکسان این گرایشات را در مورد مشخص (تحصن کارگران بیکار در وزارت کار در روز ۲۱ آبان) نشان داده و به کارگران پیشرو بیکار یاری رساند که با آگاهی به این گرایشان در حرکت مزبور آگاهی سیاسی و ایدئولوژیک خود را ارتقاء دادند و انحرافات خرد بورژوازی را از مبارزات خود بزایند.

مقاله با وجود این که در دستیابی به این هدف موفق است و در نتیجه ای که در پایان مقاله می گیرد (کار ۳۷ صفحه ۳ ستون ۵) بدلیل روشن نکردن چگونگی و کیفیت حمایت پرولتاریا از مبارزه صدامیریالیستی خرد بورژوازی و نمایندگان سیاسی آن، راه را برای برداشت های اپورتونیستی، چه چپ و چه راست، باز می گذارد. امری که بدان انتقاد جدی وارد است.

مقاله پس از برشمردن خصوصیات و وضعیت کارگران

برخوردار است، زمینه عینی و ذهنی مناسبی برای نفوذ ایدئولوژی غیرپرولتاری در جنبش کارگری کمونیستی ایران فراهم می کند.

روشنفکران انقلابی هوادار طبقه کارگر که عمدتاً از لایه های بالاتر خرد بورژوازی هستند به نوبه خود حاملین چنین گرایشاتی می باشند. آنها از هر لحاظ مستعد هستند که از روند قانونمند مبارزه طبقاتی روی گردان شوند. از حمله مستعد آنند که در برابر حرکات خودانگیخته طبقه کارگرونیز حرکات خودانگیخته ولجام گسیخته روشنفکران سرتسلیم فرود آورند. نمکین به حرکات خودانگیخته یاد شده و جنبه سائسی در مقابل آن که از تمایلات و ریشه طبقاتی واحد منشأ می گیرد اکنون میسیم و آنارشیزم را شکل می دهد و به اعتبار هم سازی و پیوند دروسی که بین عوامل شکل دهنده این انحرافات وجود دارد، اکنون میسیم و آنارشیزم قابل تبدیل به یکدیگر را می توانند به سبب

بیکار و تشریح عمیق و تفکر اکنون میستی و آنارشیزمی "و با تأکید بر حبه های معنی در کنار جنبه های مثبت" و انتقاد از "تحصن بی موقع و طولانی مدت" در حرکت مزبور پرولتاریا و روشنفکران انقلابی طرفدار آن را به حمایت از خرد بورژوازی در گیر در مبارزه صدامیریالیستی و ضد لیبرالی دعوت می کند. بدون این که به روشنی توضیح دهد که این حمایت از چه محتوا و مضمونی باید برخوردار باشد. در نتیجه راه برای برداشت های متفاوت باز گذاشته می شود و خطر اغتشاش فکری و درهم اندیشی را در پی دارد.

ببینیم مارکسیست - لنینیست ها در زمینه حمایت پرولتاریا از متحدین خود چگونه فکر می کنند؟ ببینیم برداشت جریانات سیاسی رنگارنگ اپورتونیستی با این مسئله چگونه است. البته قصداً این نیست که بطور کلی از مسئله سخن گوئیم. چه، در این زمینه کتاب های متعددی انتشار یافته است و ما خوانندگان خود را به این کتاب ها مراجعه می دهیم. در این مقاله کوشش می کنیم که موضع خود و جریانات انحرافی موجود را ارزیابی کنیم.

تشخیص و شناسایی دوستان و دشمنان، انقلاب در هر مرحله از تحول جنبش انقلابی خلق در ردیف مسائل کلیدی جنبش کمونیستی است. این که تشخیص دهیم چه کسانی در شرایط کنونی متحدین طبقه کارگرند، برمی گردد به این که تشخیص دهیم جامعه ما در چه مرحله ای از تحول تاریخی - اجتماعی خود قرار دارد. امروز طبق وسیع از نظریات در آن رسد و وجود دارد.

"حرب نوده" مرحله انقلاب ایران را دمکراتیک - ملی می شناسد، گروه ها و سازمان های گوناگون برداشت های مختلف از انقلاب دمکراتیک توده ای سخن می رانند و سرانجام طیف هایی وجود دارند که به انقلاب سوسیالیستی معتقدند.

استقلال سیاست های پرولتاری نه با نوشتن کلمه "مستقل" در جای خود مشخص می شود و نه با بردن اسم جمهوری. سیاست های پرولتاری صرفاً با تعیین دقیق راهی حقیقتاً مستقل مشخص می گردد و این چیزی است که منشویسم ارائه نمی دهد.

"لنین"

به این ترتیب طبیعی است که هر کدام از این دیدگاه ها، به ناگزیر در مورد متحدین طبقه کارگر برداشت و تلقی متفاوت و حتی متضادی داشته باشند. فی المثل زمانیکه "حزب توده" برای خرد بورژوازی رسالت تاریخی رهائی جامعه از سلطه امپریالیسم را امکان پذیر می داند و اعتقاد دارد که خرد بورژوازی می تواند "قلب اجتماعی و مغز اجتماعی" باشد، هیچ چیز تعجب آور و غریبی نخواهد بود اگر از هرگونه اندیشه مستقل و سیاست مستقلی که طبقه کارگر و سازمان های سیاسی طرفدار آن اتخاذ نماید، رویگردان باشد.

هیچ چیز تعجب آور و غریبی نخواهد بود اگر جنبش حزبی، کاسه داع تر از آن باشد و با تمام توان خود در خدمت حکم سیاست های

خرد بورژوازی در آید و رسالت خود را برای قرار دهد که طبقه کارگر ایران را به مسلخ بورژوازی هدایت کند.

یا کسانی وجود داشته باشند که صرف نظر از مواضع نظری گوناگون با نام مارکسیسم عملاً در کنار لیبرال ها قرار گیرد و اتحاد با آنان را تبلیغ و ترویج کنند.

تعجب آور نخواهد بود اگر به همین سبب کسانی که چیزی جز کابوس فاشیست به خواب نمی بینند و از این توهم که آسمان ایران جولانگاه شب و وحشتناک ولایت فقیه گشته است به درهم - اندیشی دچار شده اند هرگونه حمایت از خرد بورژوازی را در کردار تقبیح کنند و به دشمنی و ستیز با آن برخیزند. و در عمل در کنار سرمایه داران لیبرال یعنی مهمترین پایگاه کنونی امپریالیسم در میهن ما قرار گیرند.

این جریانات که فاقد پایه تودم ای هستند و ریشه ای استوار در قشر روشنفکران خرد بورژوا دارند فارغ از مبارزه طبقاتی سهمگی، کنونی اسیر بافته های ذهنی خویشند.

آنها قادر نیستند مضمون طبقاتی سیاست های خرد بورژوازی را درک کنند. آنها گرایشات ارتجاعی و غیردمکراتیک خرد بورژوازی و برخورد آن را با جنبش کارگری همان مبارزه بورژوازی با نیروهای ترقیخواه و طبقه کارگر می دانند. و به این ترتیب گرایش های ارتجاعی خرد بورژوازی را با ارتجاع بورژوازی یکسان می پندارند.

و مرز دوستان و دشمنان انقلاب را محدود می کنند. چه آبهائی که از هر اس خیالی فاشیست چشم خود را روی امپریالیسم بسته و در

مرز میهن ما ناقص کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد.

آبارتمانهای سرمایه داران باید ضطوبه زحمتکشان و اگذار شود

بقیه از صفحه ۱۶

خانه بدو شها خواستار فعالیت

باررگان و شرکا، مثل همه موارد دیگر به شدت با این امر که مبارزه توده را عمیق می بخشد به مخالفت برخاستند و هر جا که زحمتکشان خود به تصرف ساختمانها و شهرکهای سرمایه داران دست زدند، باررگان و امثال او با بی شرمی مردم انقلابی ما را "دزد و قلدرد و ضدانقلاب" خواندند و تلاش کردند، ساختمانها و آپارتمان هارا برای سرمایه داری حفظ کنند.

اما زحمتکشان میهن ما بر این خواسته خود مثل همه موارد دیگر، سرسختانه پیکار کردند و سرانجام با اوج گیری مجدد مبارزات صدامپریالیستی خلق ما در ماه های گذشته بسیاری از آپارتمانها، هتلها و ساختمانهای سرمایه داران به چنگ سازندگان و صاحبان واقعی آنها یعنی زحمتکشان و راغنه نشینان افتاد.

لیکن سرمایه داران وابسته و محافل و عناصر مدافع آنها این بار نیز به تلاش افتادند تا به هر قیمتی شده ساختمانها و آپارتمانها و هتلهایی را که در جریان سالها استثمار خلق ما به غارت برده اند، برای خود محفوظ نگهدارند. آنها به هر جنابیتی دست می زنند و هر نوع دروغ بی شرمانه ای را جعل می کنند تا منافع خود

را حفظ کنند. یکی از نمونه های بارز مبارزه زحمتکشان با سرمایه داران بر سرزمینها، ساختمانها و هتلها، مبارزه ای است که میان کمیته حجت الاسلام حسن کروبی با کمیته مرکزی در گرفته است. حجت الاسلام کروبی در مدتی که در جریان مبارزه شهرکها و آپارتمانهای سرمایه داران با زحمتکشان همگام بوده مورد حمایت مردم به ویژه کسانی قرار گرفته است که از فعالیت های ایشان با اطلاع هستند.

کمیته مرکزی و محافل مدافع سرمایه داران بارها اعمال ایشان را "صدانقلابی" اعلام کرده و روحانی مبارز حجت الاسلام کروبی را عنصر ماجراجو و ضدانقلابی خوانده اند و از او خواسته اند دست از اعمال خود بردارند اما از آنجا که ایشان در مبارزه علیه سرمایه داران وابسته و مصادره ساختمانها و هتلهای آنها سرسختی نشان داده است، سرانجام کمیته مرکزی کوشیده است با حمله مسلحانه به کمیته حجت الاسلام حسن کروبی از ادامه کار ایشان جلوگیری کرده و با آنها مبارزه نا جوانمردانه ای که امروز دیگر برای مردم نازگی ندارد، حجت الاسلام کروبی و همکاران او را از میدان بدر کنند، اما مردم قاطعانه خواستار ادامه

کار حجت الاسلام حسن کروبی هستند و به جوسی از کم و کیف ماجرا با اطلاع هستند.

مهدوی کنی، شهردار تهران و سایر محافل مدافع سرمایه داری اعلام داشته اند که مردم از دست حجت الاسلام کروبی احساس عدم امنیت می کنند. ولی زحمتکشان به ویژه آنهايي که از نزدیک با فعالیت های حجت الاسلام حسن کروبی آشنایی دارند، معنی سخنان شهردار تهران و مهدوی کنی و امثال آنها را خیلی خوب درک می کنند.

زاغنه نشینان خیلی خوب می دانند که مقصود مهدوی کنی از مردم همان سرمایه داران و صاحبان آپارتمانها هستند، چرا که مردم زحمتکش ما از مصادره هتلها، شهرکها و آپارتمانهای سرمایه داران حمایت می کنند. برای مردم ما بسیار آموزنده است که می بینند، کمیته مرکزی شهردار تهران و محافل سرمایه داری و روزنامه های طرفدار آنها چگونه به این روحانی مبارز تاختند و ایشان را "صدانقلابی" معرفی کردند. اما امروز بیش از هر زمان دیگر زحمتکشان میهن ما دریافته اند که صدانقلابی کیست.

گرامی باد یاد . . .

را سازمان می داد. فدائی محمد کاسه چی در سال ۵۲ برای ادامه فعالیت های انقلابی زندگی محفی را برگزید و بطور حرفه ای به مبارزه پرداخت. رفیق فدائی حلیق محمد کاسه چی در درگیری های سال ۵۵ به شهادت رسید و مکانی نامعلوم برای همیشه خون خفت.

آرامگاه رفیق محمد کاسه چی چون مزار صدها فدائی در گلزارهای سرخ ایران آزاد و دگرگونیک فردا است.

جاودان باد پیادراه شهدای بخون خفته خلق

فدائی شهید رفیق محمد کاسه چی

رفیق فدائی جعفر پشامی در سال ۱۳۲۹ در یکی از مناطق فقیرنشین قزوین و در خانه ای که بیش از پنج خانوار در آن زندگی می کردند، به دنیا آمد و از کودکی با فقر آشنا بود. رفیق جعفر پشامی، هنوز دوران دبیرستان را به پایان نیاورده بود که راهی تهران شد و با "جوراب فروشی" مخارج زندگی خود را تامین می کرد. زندگی او از همان آغاز با زندگی زحمتکشان شهر پیوند داشت.

رفیق پشامی با رفیق محمد کاسه چی از همان آغاز به فعالیت های مشترک سیاسی دست زدند. شرکت فعال او در افشاکاری های سرمایه داران اسرائیل دشت قزوین و نقش فعال و سازمانداری که در اعتصاب شرکت واحد داشت از جمله فعالیت های مشترک او با رفیق کاسه چی است.

او در تظاهرات سالهای ۴۸ - ۴۶، در جریان تظاهرات برای گرامی بلیط اتوبوس توسط گارد های مزدور شاه به سختی مجروح شد و چندین روز در خانه بستری گردید. رفیق فدائی پشامی، همراه رفیق محمد کاسه چی به سازمان پیوست و در درگیری های سال ۵۵ به شهادت رسید.

درک زنده و ملموس رفیق جعفر پشامی از توده ها و پیوند عمیق او با زحمتکشان، خصوصیات انقلابی و درخشانی او در روی موج شده بود. که لهما بخش رفقای او بوده است. خصوصیات برجسته اخلاقی رفیق آنچنان بارز بود که او را به سر مشق افتخار آفرینی برای رفقا و سازمان تبدیل کرده بود.

یادش گرامی باد

حمايان فرح آباد ساوکی، فدائی حلیق، رفیق حلیق، ساهان مورد شناسایی قرار گرفت و توسط مردوران ساواک محاصره شد. او شجاعانه کوشید حلقه محاصره را بشکند و علیرغم اینکه دوتن از مزدوران ساواک را اربای در آورده بود در نبردی نابرابر به شهادت رسید.

یادش گرامی باد

فدائی شهید رفیق اصغر پشامی

فدائی خلق رفیق محمد کاسه چی در سال ۱۳۲۹ در قزوین به دنیا آمد. او از دوران دبیرستان در کارگاه تعمیرات ماشین کاری کرد و با محیط کارگری آشنایی داشت.

رفیق محمد کاسه چی فعالیت های انقلابی خود را با اشاعه ادبیات انقلابی در سالهای دبیرستان آغاز کرد. او در شرایط خفقان پلی کپی ها و کتابهای انقلابی را مخفیانه، دست به دست در سطح نسبتاً وسیع توزیع می کرد و در جهت ارتقاء آگاهی سیاسی - ایدئولوژیک رفقا و دوستان خود نقش موثری داشت.

در سال ۴۷ - ۴۶ او فعالیت های افشاکرانیه وسیعی را علیه سرمایه داران اسرائیلی که در قزوین زیر عنوان "اصلاحات و عمران روستائی دشت قزوین" فعالیت داشتند، شروع کرد. او نقشه های صهیونیسم و امپریالیسم را در حیو حقه جنگ های مصر و اسرائیل افشا و با امکانات محدود آن زمان انتشار می داد.

رفیق محمد کاسه چی در سال ۴۸ وارد دانشکده مدیریت و علوم اداری دانشگاه تهران شد و به زودی به عنوان سازمانده فعالیت های سیاسی و صنفی دانشگاه موقعیتی ممتاز کسب نمود. او در سازماندهی اعتصابات و تظاهرات دانشجویی علیه ورزد نیکسون و شرکت اتوبوسرانی واحد نقش فعالی داشت و به مدت کوناهمی در همین رابطه در بازداشت ساواک بسر برد.

در این دوره، رفیق فدایی محمد کاسه چی برای گسترش فعالیت های انقلابی خود بطور مجانی در مدارس جنوب تدریس می کرد. رفیق بمنظور آشنائی با زندگی توده های مردم نقاط مختلف، مسافرت های تحقیقاتی گروهی

قانون کار باید با شرکت خود کارگران و توسط

نمایندگان آگاه آنها تدوین شود

حق کار برای همه و همه بیکار و برای تمام بیکاران

۸ ساعت کار در هفته برای تمام کارگران

پایه معیشتی و خدمات رفاهی برای تمام کارگران

حقوق مساوی برای کارساز و برای زن و مرد

حق اعتصاب کارگران

و

باید در قانون کار تصریح شود.

سازمان جنبکهای فدائی های ایران

حقوق دموکراتیک مردم باید تضمین شود

نکاتی پیرامون

برنامه و سیاست مجاهدین خلق ...

بقیه از صفحه ۱

آیچا که در شماره ۱۵، قبل تر گفتیم ارائه یک برنامه مترقی و جامع نمی توانست به تنهایی ملاک تأیید نیروهای مترقی از کاندیدای معینی واقع شود و باید حتما سوابق و خط مشی کلی وی نیز دقیقاً ارزیابی شود. در عین حال این بدان معنا نیست که از یک برنامه مبهم، ناقص و بی عقب مانده هم می توان به هوای سوابق درخشان مبارزاتی دفاع کرد و آن را منای وحدت نیروهای مترقی و صدامیریالیست قرار داد. "حزب توده" برنامه را ملاک همه چیز می گیرد و ما می گوئیم "برنامه درست و اصولی" تنها یک وجه مساله است. در عرصه مبارزه صدامیریالیستی - دمکراتیک گرچه خلاصه کردن شرایط وحدت در توافق روی برنامه مشترک یک "ایده بورژوازی" است، ولی رد لزوم توافق روی برنامه مشترک به عنوان چارچوب هر حرکت سیاسی مشترک حرفی بی معنا و بوج است.

سازمان ما بر اساس شناختی که از سازمان مجاهدین خلق ایران طی سالها مبارزه به دست آورده است، و همچنین بر اساس نکات مثبتی که در برنامه سازمان مجاهدین خلق ایران وجود داشت به منظور تقویت صف نیروهای مترقی و ضد امیریالیست و با هدف منفرد کردن سرمایه داران لیبرال حمایت خود را از کاندیدانوری مسعود رجوی در جریان انتخابات اعلام کرد. ما در اعلامیه مسورخ سه شنبه ۲۵ دی درباره حمایت از مسعود رجوی در انتخابات روی "مشروط" بودن حمایت خود تأکید کرده بودیم و همچنین کلمه مشروط در ذهن مردم ایران این تلقی را به نادرست پدید آورده بود که گویا نظر سازمان آن است که در صورتی که برخی از نقطه نظرهای سازمان به کار بسته نشود، سازمان هم حمایت خود را ملغی خواهد کرد. اما در واقع نظر این نبود که ما رای دادن به مسعود رجوی را مشروط به شروطی کرده باشیم. مساله این بود که پس از انتشار برنامه سازمان مجاهدین خلق ایران و به ویژه پس از سخنرانی مسورخ پنجشنبه ۲۰ دی اودر

زمین چمن دانشگاه کاملاً محرز شد که برنامه و سیاست جاری سازمان مجاهدین خلق ایران و موضع آنان در برابر نیروهای سیاسی مختلف (حاکم و غیر حاکم) دارای نقایصی است که وحدت عمل نیروهای مترقی را عملاً دچار مشکل و حتی بن بست

برنامه مجاهدین خلق از صراحت و روشنی کافی برخوردار نیست و می تواند توسط نیروهای سیاسی مختلف مورد تفسیرهای گوناگون قرار گیرد و نیروها را جلب کند که عملاً در یک صف قرار ندارند و بنا به ماهیت طبقاتی خود

اگر چنین باشد بوده های ستمکش خلق آن را نخواهند پذیرفت. ما معتقدیم این سرمایه ها که همه از طریق چپاول و غارت مردم زحمتکش میهن ما به دست آمده است، همه این سرمایه ها که حاصل بهره کشی طبقه کارگر است، باید بدون پرداخت هرگونه

در برنامه مجاهدین خلق از "ملی کردن" تمام سرمایه های وابسته صحبت می شود و نه از مصادره انقلابی آنها.

مجاهدین خواهان "تضمین آزادی احزاب و کلیه سازمان های سیاسی و صنفی با هر عقیده و مرام" هستند، در حالیکه تضمین آزادی احزاب و محافل وابسته به طبقه سرمایه دار هرگز به سود مردم ما نیست. تنها تضمین آزادی احزاب و کلیه سازمان های سیاسی و صنفی و ملی و مترقی، به سود مردم است.

برنامه مجاهدین دونوع ارتش را توصیه میکند، یکی "ارتش مردمی برای دفاع از مرزها و مقابله با تجاوز خارجی" و دیگری ارتش ۲۰ میلیونی خلق برای مقابله با حملات و تهدیدات امیریالیستی.

می سازد.

ما در سطور زیر "برنامه" و "سیاست" جاری سازمان مجاهدین را بررسی خواهیم کرد.

الف: برنامه

با یک مقایسه سریع و سطحی هم می توان به وجوه تمایز برنامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با برنامه

نمی توانند قرارداد داشته باشند. علاوه بر این ابهام در برنامه رجوی به گونه ای است که نشان نمی دهد در ایران چگونه جامعه ای می خواهد بر پا دارد. آیا نمونه الجزایر در نظر اوست یا به لیبی نظر دارد. یا می خواهد ایران را به راه مصر یا سوریه بکشد؟

غرامتی، به نفع خلق های قهرمان ایران فوراً مصادره شود. تنها با پیش گرفتن یک سیاست قاطع ضد سرمایه داری، با سمت گیری سوسیالیستی است که می توان از زیر سلطه امیریالیسم جهانی به سرکردگی امیریالیسم امریکائی یافت. در این راه خلق های

مجاهدین امروز جهت عمده مبارزه خود را مبارزه با ارتجاع می دانند و می گویند در کنار این مبارزه باید بالیبرال ها هم مبارزه کرد و این از نظر ما خوشترین خط مشی به مزاج لیبرال هاست.

مجاهدین خلق پی برد. این تمایز در اساس ناشی از مواضعی است که هر کدام در عمل نسبت به طبقات اجتماعی معین داریم. لیکن این مانع از آن نیست که بعضی از وجوه تمایز را محصول "برخی ملاحظیات سیاسی" قلمداد کنیم که برنامه را تا حد زیادی از نفس انداخته است. بگونه ای که به جرات می توان گفت چنانچه این نقاط ضعف بر طرف نشود، مجاهدین خلق و هر نیروی دیگری که به پشتیبانی از آن برنامه برخیزد، قادر نخواهد بود ایرانی آزاد و دمکراتیک را برای توده های میهن ما تدارک بسند.

هر چند به نمونه ویتنام نیز اظهار علاقه می کند. برنامه مجاهدین خلق چنان خلاصه است که گاهی ایبهامات ناشی از اختصار است ولی با کنار گذاشتن این ایبهامات در سه مورد مشخص برنامه ارائه شده نقاط ضعفی دارد که رفع آنها مبنای مناسبی را برای وحدت صف نیروهای ضد امیریالیست به وجود خواهد آورد. این نکات عبارتند از:

۱- در برنامه مجاهدین خلق از ملی کردن تمام سرمایه های وابسته صحبت می شود و نه از مصادره انقلابی آنها. آیا منظور سازمان مجاهدین پرداخت عرامات

آزاد شده، خلق های کشورهای تحت سلطه امیریالیسم، طبقه کارگر کشورهای امیریالیستی و به ویژه کشورهای اردوگانه سوسیالیستی دوست و پشتیبان ما در این مبارزه محسوب می شوند و این مهم در برنامه مجاهدین از هیچگونه صراحتی برخوردار نیست.

هستند در حالیکه تنها صمیم آزادی احزاب و کلیه سازمان های سیاسی و صنفی و ملی و مترقی به سود مردم است و احزاب سیاسی وابسته به سرمایه داری و امیریالیسم و شبکه های جاسوسی باید در کمال قاطعیت برچیده و سرکوب شوند.

وقتی مجاهدین خلق در برنامه خود ضرورت سرکوب و برچیدن احزاب وابسته به طبقه سرمایه دار را ذکر نمی کنند عملاً و بطور آشکار به جای دفاع از یک دمکراسی مردمی، به دفاع از لیبرالیسم که خواهان آزادی همه احزاب است تن داده اند.

۳- برنامه مجاهدین دو نوع ارتش را توصیه می کند یکی "ارتش مردمی برای دفاع از مرزها و مقابله با تجاوز خارجی" و دیگری ارتش ۲۰ میلیونی خلق برای مقابله با حملات و تهدیدات امیریالیستی. در حالی که مصالح مردم ایران ایجاب می کند که تنها یک ارتش داشته باشیم با هویت و ماهیت توده ای که وظیفه آن فقط دفاع از حاکمیت توده ها، استقلال ملی و تمامیت ارضی در مقابل توطئه های دشمنان داخلی و خارجی حاکمیت توده ها است. این دشمنان عبارتند از امیریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا. طبقه سرمایه دار که تماماً وابسته به آن است. تشکیل یک ارتش دائمی که وظیفه آن فقط دفاع از مرزها باشد، در حقیقت تشکیل یک ارتش ضد خلقی است. سرمایه داران به بهانه دفاع از مرزها و در حقیقت برای دفاع از منافع خود ارتش دائمی را سازمان می دهند که در مقابل مردم قرار دارد. انقلابیون واقعی برای دفاع از مردم و فقط برای دفاع از حاکمیت مردم به دفاع از مرزهای میهن دمکراتیک خود برخوانند خاست.

وجود این مسوار در برنامه مسعود رجوی بیانگر آن است که سازمان مجاهدین خلق ایران با این برنامه پیشروترین نیرو در مبارزه ضد امیریالیستی - دمکراتیک نیست، به همین دلیل این برنامه قادر نیست سرمایه داری وابسته را بطور کامل نابود سازد.

ب. سیاست
ما وجود نقاط ضعف
بقیه در صفحه ۱۵

رفاه زحمتکشان باید تامین شود

نکاتی پیرامون برنامه و سیاست مجاهدین ...

بقیة از صفحه ۱۴

برنامه مجاهدین خلق را عمدتاً ناشی از سیاست و موضع آنان در برابر صف آرائی کنونی نیروهای دانیم. سیاستهایی که عمدتاً ناشی از اشتباهاتی است که در تشخیص اوضاع و احوال جاری و سمسست و سیاست هر یک از جریان های سیاسی دارند.

مجاهدین امروز جهت عمده مبارزه خود را مبارزه با "ارتجاع" می دانند و می گویند در کنار این مبارزه باید با لیبرال ها هم مبارزه کرد و این از نظر ما خوشترین خط مشی به مزاج لیبرال ها است. لیبرال ها به مجریان چنین سیاستی می گویند: بسیار عالی است فعلاً "ارتجاع" را بکوبیم و افشاء کنیم بعد به حساب همدیگر برسیم. این سیاست در عمل بالیبرال ها اتحاد می کند تا دشمن مشترک را که از جانب آنان "ارتجاع" نامیده می شود از پای درآورد. مجاهدین تاکنون دقیقاً توضیح نداده اند منظورشان از "ارتجاع" چیست؟ و کدام جناح از حاکمیت را "ارتجاع" می نامند؟ اما مبارزه آنان با "ارتجاع" مشخصاً از همان زاویه های است که لیبرال ها مطرح می کنند. و اما ما ...

اولاً ما مبارزه سیاسی سیاست های سرمایه داری وابسته و امپریالیسم را که اکنون عموماً در لباس س لیبرالی مطرح می شوند از همه مهمتر می دانیم زیرا خطر اساسی از جانب آنهاست.

ثانیاً معتقدیم روحانیت و احزاب و محافل وابسته به آن از قیام تا امروز سیاست هایی را پیش برده اند که در اغلب موارد به سود سرمایه داران لیبرال که از بعد از قیام پایگاه عمده امپریالیسم به حساب می آیند تمام شده است. از جمله آن سیاست انتخاب بازرگان به نخست وزیری است. ترکیب فعلی شورای انقلاب که همان کابینه بازرگان است و فقط نامش عوض شده که در حقیقت چیزی جز سیاست ابقای کابینه بازرگان نیست و اخیراً حذف مسعود رجوی و انبساطی دیگر کاندیداها به ویژه سید احمد مدنی قابل تأکید است.

ما این سیاست ها را سیاست های مصالحه جویانه و معاشات گرانه با سرمایه داری وابسته می شناسیم و سخت ترین انتقادات را از آن به عمل می آوریم و نادرستی آن را به توده ها نشان داده که بدانند خبا

روابط مدنی با بختیار و خوانین بختیاری رو می شود، تماس های پنهانی او با عوامل "سیا" فاش می شود اما بازم کاندید ریاست جمهوری باقی می ماند.

ما باید به توده ها نشان دهیم که چرا فتوای آقای آذری قمی که تا مغز استخوان از منافع سرمایه داران دفاع می کند، بیش از ۳۰ نشریه و روزنامه را تعطیل می کند اما افشاکری "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" در باره روزنامه با مداد بدون پاسخ می ماند و طوری وانمود می شود که اصلاً مسئله ای رخ نداده است. ما به توده ها خواهیم گفت چرا

ارتجاع "است. همان تفسیری است که جبهه دمکراتیک ملی پرچمدار آن است.

جالب است که همه احزاب لیبرال هم مدعی اند که پیگار آزادی با ارتجاع، همان پیگار خلق با امپریالیسم است. در حالی که از نظر ما مبارزه با امپریالیسم یعنی مبارزه با سرمایه داری وابسته خواهان اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... سرمایه داری وابسته هستند.

سیاست فعلی سازمان مجاهدین خلق ایران، به ویژه درجائی که علیه جریان های لیبرالی موضعگیری

سیاستی که وانمود می کند امروز عرصه پیگار اصلی عرصه پیگار "آزادی با ارتجاع" است، همان تفسیری است که جبهه دمکراتیک ملی پرچمدار آن است.

تصحیح اشتباه و بوزش از خوانندگان

در مقاله "ننگران مبارز حفری و مبارزات پیگیر آنان علیه شرکت های امپریالیستی در جنوب" - قسمت دوم - "کار" شماره ۴۰، صفحه ۶، نوشتیم: "کارچاق کن های امپریالیسم در این شرکت ها برای استثمار هر چه بیشتر کارگران از شیوه های گوناگون سرکوب و تفرقه افکنی استفاده می کردند. بعنوان مثال هرگاه کارگری سه ماه را بدون تصادف یا بیماری کار می کرد، به او کفش و لباس کار داده می شد و در صورت هرگونه حادثه یا بیماری از این "جوایز" محروم می گردید. ولی دیگر کارگران آن را دریافت می کردند."

ضمن بوزش از خوانندگان شرح صحیح تری در قیق تر مطلب فوق را درج می کنیم: "بطور مثال هرگاه در طول سه ماه هیچگونه اتفاقات جانی در پیرونده های کارگران ثبت نمی شد، به آنها پوتین و بهلر سوت (کفش و لباس کار) و به

کارکنان ارشد، انگشتر و خودکار طلا می دادند. اعمال این شیوه باعث شده بود که اگر کارگری نقص عضو پیدا می کرد و حین کار صدمه می دید، صدایش را در نمی آورد. حتی بسیاری از کارگران از این بابت که این واقع ممکن است "جایزه ها" را به عقب بیاورد، ناراحت می شدند.

کارگران که در مصیقه مالی شدید قرار داشتند به علت عدم آگاهی و عدم درک این قانون ضد کارگری و ضد انسانی خود نیز سروصدای آن را بلند نمی کردند. این شیوه سبب می شد که کارگران دست از حمایت رفیق کارگر خود بردارند و اگر کارگر صدمه دیده می خواست ادعای خسارت نماید، تنها مانده و از مزایای درمانی محروم می ماند. در عین حال همین مقررات مانع از مقاومت منفی کارگران در مقابل کارفرمایان می شد."

کمک های مالی دریافت شده

ردیف	نام	مبلغ	ردیف	نام	مبلغ
۱	۱
۲	۲
۳	۳
۴	۴
۵	۵
۶	۶
۷	۷
۸	۸
۹	۹
۱۰	۱۰
۱۱	۱۱
۱۲	۱۲
۱۳	۱۳
۱۴	۱۴
۱۵	۱۵
۱۶	۱۶
۱۷	۱۷
۱۸	۱۸
۱۹	۱۹
۲۰	۲۰
۲۱	۲۱
۲۲	۲۲
۲۳	۲۳
۲۴	۲۴
۲۵	۲۵
۲۶	۲۶
۲۷	۲۷
۲۸	۲۸
۲۹	۲۹
۳۰	۳۰
۳۱	۳۱
۳۲	۳۲
۳۳	۳۳
۳۴	۳۴
۳۵	۳۵
۳۶	۳۶
۳۷	۳۷
۳۸	۳۸
۳۹	۳۹
۴۰	۴۰
۴۱	۴۱
۴۲	۴۲
۴۳	۴۳
۴۴	۴۴
۴۵	۴۵
۴۶	۴۶
۴۷	۴۷
۴۸	۴۸
۴۹	۴۹
۵۰	۵۰
۵۱	۵۱
۵۲	۵۲
۵۳	۵۳
۵۴	۵۴
۵۵	۵۵
۵۶	۵۶
۵۷	۵۷
۵۸	۵۸
۵۹	۵۹
۶۰	۶۰
۶۱	۶۱
۶۲	۶۲
۶۳	۶۳
۶۴	۶۴
۶۵	۶۵
۶۶	۶۶
۶۷	۶۷
۶۸	۶۸
۶۹	۶۹
۷۰	۷۰
۷۱	۷۱
۷۲	۷۲
۷۳	۷۳
۷۴	۷۴
۷۵	۷۵
۷۶	۷۶
۷۷	۷۷
۷۸	۷۸
۷۹	۷۹
۸۰	۸۰
۸۱	۸۱
۸۲	۸۲
۸۳	۸۳
۸۴	۸۴
۸۵	۸۵
۸۶	۸۶
۸۷	۸۷
۸۸	۸۸
۸۹	۸۹
۹۰	۹۰
۹۱	۹۱
۹۲	۹۲
۹۳	۹۳
۹۴	۹۴
۹۵	۹۵
۹۶	۹۶
۹۷	۹۷
۹۸	۹۸
۹۹	۹۹
۱۰۰	۱۰۰

گرامی باد یادرفقای شهید ★★

خانه بدو شها خواستار فعالیت
کمیته حجت الاسلام کروی

هستند • آبارتمانهای سرمایه داران باید

ضبط و به زحمتگان و اگدارشود

سرمایه داری وابسته به آن است. بلافاصله پس از قیام سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران اعلام داشت که آبارتمانها، ساختمانها و شهرکهای سرمایه داران باید بی درنگ در اختیار زحمتکشان قرار گیرد. اما بقیه در صفحه ۱۳

مبارزهای که از نخستین روزهای پس از قیام تاکنون بر سر زمینها و ساختمانهای سرمایه داران، میکان زحمتکشان و زاعه نشینان میهن ما از یک طرف و طبقه سرمایه دار ایران از سوی دیگر در جریان بوده و هست گوشهای از پیکار طبقاتی خلق ما علیه امپریالیسم و

حملات عناصر مرتجع و مزدور را علیه

سازمان مجاهدین خلق محکوم می کنیم



مجاهد شهید عباس عمانی

دروغهای گذشته حملات عناصر مرتجع و مزدور به دفاتر و به اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران شدت یافته است.

شهادت مجاهد عباس عمانی و حمله به کمیته امداد پزشکی سازمان مجاهدین خلق خود نمونه های جدیدی از وحشیگری های سازمان یافته ای است که بدون تردید عوامل امپریالیسم رهبری آن را برعهده دارند.

بدون تردید این اعمال خود سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران این اعمال را ضد خلقی را محکوم می کنند. بهترین نشانه زبونی و ورشکستگی عوامل ارنجاع است.

همه با هم دشمنان خلق را افشا کنید

همه با هم در بزگرداشت

قیام شکوهمند بهمن بکوشیم

مردم مبارز و آناه ایران!

۱- سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران در امر مهم افشای و معرفی دشمنان خلق به یاری بی دریغ شما متکی است. لذا در این مورفیت که افشا و معرفی دشمنان خلق برای بشرد مسازره از اهمیتی عظیم برخوردار است، از شما می خواهیم که هرگونه سند و مدرکی پیرامون خیانت سرمایه داران و اسبه و دوسان و حاسوسان امپریالیسم جهانی به مرکز دگی امپریالیسم امریکا، در دست دارید، در اسرع وقت برای ما بفرستید

۲- از آنجاکه بزگرداشت قیام شکوهمند حلقهای مهربان میهن ما در رشد و اعتلای آگاهی طبقه کارگر و زحمتکشان از اهمیت فراوانی برخوردار است، و از آنجاکه بزگرداشت و باسرداری از سنت های انقلابی مردم میهن ما، وظیفه ای است انقلابی که همه ما باید آنرا بدرستی به انجام رسانیم. از شما می خواهیم که هر مطلب، سند، عکس، جمع بندی بحارت و خاطراتی که در شناخت این واقعه تاریخی و بزگرداشت، شکوهمند آن به ما باری رساند در اختصار سازمان قرار دهید.

ما با حاب حرف اول نام و کد ارتخات شده توسط شما، ار طریق نرسه "کار"، شمار را از رسیدن سند فرستاده شده مطلع مسازیم



فدائی شهید رفیق محمدکاسه چی



فدائی شهید رفیق اصغر پشامسی



فدائی شهید رفیق فتحعلی پناهیان

فدائی شهید رفیق فتحعلی پناهیان

پس از مدتی کار و اقامت در تهران عازم جنوب کشور شد و در کاخ های جنوب به کارگری پرداخت. در سال ۵۱، در ارتباط با سازمان قرار گرفته و به نحو سازمان یافته ای به فعالیت های انقلابی خود ادامه داد. آموزش های سیاسی رفیق، عمدتاً در این دوره صورت گرفت. طی سال های ۵۲-۵۱ کمیته

پزشکی را سازمان داد تا رفقای که در درگیری ها آسیب می دیدند، ار طریق امکانات پزشکی سازمان، مورد مداوا قرار گیرند. رفیق فتحعلی پناهیان، در ماه های آخر به عنوان یکی از کادرهای عملیاتی در بخشی که رفیق حمید اشرف مسئول آن بود، فعالیت داشت. سوم بهمن سال ۵۳، در بقیه در صفحه ۱۳

چریک فدائی خلق رفیق فتحعلی پناهیان، ۲۸ مهر ۱۳۲۹ در شهر تبریز متولد شد. فعالیت های سیاسی خود را بطور منظم در سال های ۴۹-۵۰ آغاز کرد. از تابستان سال ۴۹ به منظور آشنایی با زندگی کارگران و تماس با محیط های کارگری، کارگر ساختمان شد. او



چریک نازک اندام،

تفنگ بدست

ویانکی غول بیکر، سر به زیر

در راهند

آری! شکمی سیرویز

همتراز با قلبی دلیر نتواند شد.

ژانویه ۱۹۶۷

توهو

(بزرگترین شاعر معاصر ویتنام)

یک خلبان هواپیمای ب ۵۲ پس از سقوط بمب افکن و اسیر شدن به دست چریک دختری به نام "کیم لای"

انتصاب:

محمد عرضی، سردسته رابیندگان فرزندان آیت الله طالقانی

و یکی از سرکوبگران خلق ترکمن، به استانداری خوزستان منصوب شد!

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر